

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکتراد) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۶۲ برابر ۱۴ ژانویه ۱۹۸۵
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۴۰

افشای چهره سیاه جمهوری اسلامی در کنفرانس آپسو

جمهوری اسلامی برداشتند و با ارائه اسناد و ارقام نشان دادند که چگونه رسانه‌های همگانی رژیم ایران در خدمت تبلیغ دروغ پردازی‌های رسانه‌های امپریالیستی قرار دارند.

در جریان اجلاس آپسو هیئت ایرانی، کنفرانس ویژه‌ای به منظور آشنائی بیشتر افکار عمومی جهان از شرایط، اختناق حاکم بر ایران، ماهیت دروغین و ضد فرهنگی حکام ارتجاعی آن، و شرایط فاشیستی حاکم بر زندان‌های جمهوری اسلامی، بقیه در صفحه ۲

مانگونه که در شماره ۲۸ این نشریه، خبر داده شده بود، در هشتم آذر در کابل کنفرانس سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا (آپسو) پیرامون نظم نوین اطلاعاتی بین‌المللی تشکیل گردید. شصت نماینده دولتها، سازمانهای مترقی و مجامع بین‌المللی از ۴۱ کشور جهان در این کنفرانس حضور داشتند. از ایران نیز هیئتی متشکل از رفقا رحیم نامور، سیاوش کسرایی و رضا مقصدی در کنفرانس شرکت داشتند. اعضای هیئت ایرانی، طی سخنان افشاگرانه پرده از سیاستهای تبلیغاتی ارتجاعی

گزارشی از کوبا: جزیره آزادی، ۲۶ سال پس از پیروزی

۲۶ سال پیش، در تاریخ اول ژانویه ۱۹۵۹، دیکتاتوری خون‌آشام و آمریکایی باتیستا در کوبا سرنگون و انقلاب به پیروزی رسید. فائق "گرانما" که فیدل کاسترو و یارانش در دسامبر ۱۹۵۶ با آن در ساحل باتلاقی "لاس کولوراداس" پیاده و از آنجا را به نبرد رهایی بخش فراخواندند، میان محفظه‌ای شیشه‌ای در میدانی در هاوانا به تماشا گذاشته شده است.

"گرانما" سمبل جزیره آزادی است. البته خود کوبا هم که به طول هزار کیلومتر در اقیانوس اطلس گسترده شده، شبیه به یک کشتی است که در مسیر تاریخ امروز، به پیش می‌رود. کشتی در ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۲ سفر خود را آغاز کرد. در آن روز، گروه کوچکی از مردان جوان و دلیر، که بعدها هسته اصلی گروه "گرانما" را تشکیل دادند، به پادگان مونکادا، دژ دیکتاتوری باتیستا در سانتیاگو کوبا، حمله بردند.

خلق کوبا به دستاوردهای بزرگی رسیده است. با کمک برادرانه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، کارخانه‌های زیادی ایجاد شده، اقتصاد کشاورزی شکوفاشده و سیستم بسیار پیشرفته بهداشت و آموزش عمومی به کار افتاده است. اما اگر فعالیت‌های خصمانه آمریکان نبود، موفقیت‌های جمهوری از این هم بیشتر می‌شد.

آتش افروزی و انفجار بمب در بنادر، تجاوز مزدوران امپریالیستی در پلایا کیرون، محاصره اقتصادی و "جنگ بیولوژیک" تنها یک وجه "بیماری" ضد کوبایی سیاستمداران آمریکایی است. وجه دیگر آن، تبلیغات گسترده عوام فریبانه در خود آمریکاست که از طریق آن، می‌خواهند به تعداد هر چه بیشتری از مردم چنین القا کنند که کوبا کوباریشه همه بدبها در نیمکره غربی است. رسانه‌های گروهی آمریکا هر روز ادعاهایی از قبیل اینکه هاوانا مسئول اعتیاد جوانان آمریکا به مواد مخدر، بزهکاری و ... بقیه در صفحه ۱



- * چه خوابی برای کارخانه ماشین سازی تبریز دیده‌اند؟
- * سنگ اندازی‌های شهرداری تهران در برابر تعاونی‌های مسکن
- * با اخذ مالیات‌های کمر شکن، کسبه جز را غارت می‌کنند

در صفحه ۸

همبستگی پوشور طبقه کارگر و نیروهای دمکراتیک با مبارزات کارگران ذوب آهن اصفهان

هنگامی که حزب مقاوم انقلابی ایران، حزب توده ایران، پیشاهنگ واقعی طبقه کارگر ایران، تحت پیگرد قرار گرفت، اختناق علیه همه طبقات و نیروهای انقلابی راستین جامعه توسط (رژیم) راستگرای جمهوری اسلامی ایران افزایش یافت.

اکنون تصمیم به واگذاری واحدهای سودآور ذوب آهن به بخش خصوصی و اخراج اجتناب ناپذیر هزاران کارگر که رژیم مستبد شاه اتخاذ نموده بود، از سوی حکام فعلی ج.ا.ا. زیر نام اسلام، احیا می‌گردد. طبیعتاً این عمل ددمنشانه، ضد انسانی و ضد مردمی، صدای اعتراض کارگران ذوب آهن ایران، در اصفهان را برانگیخته است.

بنابراین، اقدام به اعتصاب طبیعی و عادلانه بوده و عملی است در دفاع از حق بنیادی (کارگران)، حق کار. در ادامه بیانیه، رهبر فدراسیون کارگران پاکستان عملیات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۲

در شماره‌های گذشته، پیام‌های همبستگی اتحادیه‌های کارگری کشورهای فرانسه، آلمان، انگلستان را از کارگران اعتصابی ذوب آهن منتشر کرده بودیم. در این هفته پیامهای پشتیبانی اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای مترقی پاکستان را از کارگران ذوب آهن اصفهان منعکس می‌سازیم.

ابر از همبستگی فدراسیون کارگران پاکستان دکتر اعزاز نذیر، رهبر فدراسیون کارگران پاکستان، بیانیه‌ای در مورد اعتصاب ذوب آهن اصفهان صادر کرد. در این بیانیه آمده است: "طبقه کارگر قهرمان ایران، از آغاز پیدایش خود، پیگیرانه برای حیثیت انسانی، عدالت اجتماعی، دمکراسی و صلح مبارزه کرده است. فولادگران ایران بمشابه بخش جدایی ناپذیر کارگران ایران، هنگام با دیگر قشرهای میهن پرست جامعه، شجاعانه علیه رژیم مستکبر شاه مبارزه نمودند. اما به ویژه پس از رویدادهای بهمن ۶۱،

مجموعه گزارشهایی از زندانهای تهران (۲)

در صفحه ۶

ابراز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران در هندوستان

در روز ۲۱ اکتبر سال ۸۴، به دنبال فراخوان کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در شهر لودیانا، جمعی از روشنفکران این شهر، گرد آمده و همبستگی خود را با انقلابیون زندانی در ایران، ابراز داشتند.

در این جلسه ابتدا ابروفسور جگ مان سینگ به تشریح عملکرد ارتجاع در پوش مذهب در هندوستان و ایران پرداخت و سپس آقایان سندول سینگ رئیس دانشکده لودیانا، دکتر آرون میترا، باکاسینک و رامش راتان طی سخنانی ابعاد فشار و اختناق حاکم بر ایران را برای حاضرین در جلسه، توصیف نمودند.

در پایان جلسه قطعنامه‌ای در مورد زندانیان سیاسی ایران به تصویب رسید که در آن آزار و شکنجه انقلابیون اسیر در سیاهچالهای جمهوری اسلامی محکوم گشته و بر ضرورت آزادی همه آنان و نیز قطع بقیه در صفحه ۹

اعزام اجباری کارگران کارخانه بلموند، به جبهه‌های جنگ

در روز سوم آذرماه به دستور مدیریت کارخانه تلویزیون سازی بلموند سطح تولیدات کارخانه به شدت کاهش داده شد. تولید خط اول از ۲۰۰ به ۱۰۰ و خط دوم از ۱۲۰ به ۵۰ عدد در روز کاهش یافت. این تصمیم در شرایطی صورت گرفت که سطح تولید کارخانه از ظرفیت تولیدی آن (۹۰۰ عدد در روز) فاصله بسیاری داشت. به این ترتیب عملاً کارخانه را به حالت نیمه تعطیل درآوردند. با توجه به کمبود شدید تلویزیون در بازار داخلی و با توجه به اینکه خط تولید درم یک سال پیش آغاز به کار کرده بود، این اقدام مدیریت تعجب کارگران را برانگیخت.

اما چندی نگذشت که مسئولین با صدور اطلاعیه‌ای "علت" این تصمیم را اعلام داشتند. در اطلاعیه آمده بود: "در این زمان که میهن اسلامی ما از سوی مستکبرین شرق و غرب مورد هجوم قرار گرفته، بر ما واجب است که با کمک‌های مالی و جانی رزمندگان راپاری رسانیم"

بقیه در صفحه ۱

رستاد فریاد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام!

افشای چهره سیاه جمهوری اسلامی در کنفرانس آپسو

به از صفحه اول

ترتیب داد در این کنفرانس مطبوعاتی رفقا رحیم نامور، سیاوش کسرایی و رضامقصدی هر یک به افشای ماهیت فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی ایران پرداختند که گزارش کوتاهی از آن را می خوانید.

رفیق رحیم نامور به اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر پرداخت و گفت: میهن ما ایران روزگار تلخ و خونباری را سپری می کند، انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن برابر توطئه های امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و خیانت رهبران جمهوری اسلامی ایران به آرمان والای انقلاب راه شکست را می پیماید. گرایش به راست، تثبیت راه رشد سرمایه داری، سرکوب آزادی های دموکراتیک، کمونیسم ستیزی و شرووی ستیزی، دشمنی با مظاهر فرهنگ ملی ایران، ادامه لجاجت جنگ ایران و عراق و دامن زدن هیستریک به آن که تاکنون هزاران کشته، میلیونها آواره و بی خانمان و معلول داشته است، از مشخصه های سیاست ضدانقلابی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است. در جمهوری اسلامی ایران به اهداف کارگران و دهقانان که سهم برجسته ای در پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن ۵۷ داشته اند خیانت میشود. آنان بیشترین لطمه را از خیانت پیشگان ارتجاع حاکم می بینند. ما وجدان های بیدار جهانی را یکبار دیگر به فجایعی که امروز در میهن ما می گذرد توجه می دهیم، تا با انعکاس صدای رزمجویانه مردم مبارز میهن بلایزده ما ایران، آنان را در این مبارزه تاریخی یاری دهند.

سپس رفیق رضا مقصدی به بیان سرکوب آزادی ها و شرایط فاشیستی حاکم بر زندان های جمهوری اسلامی ایران پرداخت. او گفت: از همان ماه های نخست پیروزی انقلاب، محدودیت ها و مقابله با نیروهای کمونیستی و مترقی آغاز شد و با یورش خونین به احزاب و سازمان های مترقی که نقش برجسته ای در پیروزی انقلاب داشتند، پیش رفته است. امروز همه انقلابیون و مبارزان راه آزادی در سخت ترین پیگردهای پلیسی قرار گرفته اند. بخاطر رفتار جنون آمیز قداره بندان رژیم، پاره ای از حرکات به ظاهر غیرعادی افراد در خیابانهای ایران می تواند آنان را به کشتارکامهای رژیم بکشاند، آری:

"صنوبران به نجوا چیزی می گویند

و کز مه گان به میاهو

ششیر در پرندگان می نهند"

تنها داشتن یک اعلامیه از سازمان های مترقی و حتی پیوند خانوادگی و یا دوستی با یک انقلابی کفایت افراد را به شکنجه گاه ها بکشاند. شکنجه در زندان های جمهوری اسلامی مرزی نمی شناسد، شوک الکتریکی، استعمال داروهای شیمیایی و مواد مخدر، شلاق زدن با کابل، اعدام های نمایی به منظور شکستن روحیه زندانی و... از جمله شکنجه های رایج در زندان های مرکز بار جمهوری اسلامی ایران است که بر اثر این شکنجه های وحشیانه، بسیاری از زندانیان تعادل روانی خود را از دست داده اند و دچار روان پریشی و مسخ شخصیت شده اند؛ تا جائیکه به نفع ارزش های انقلابی خود می پردازند. زندانیان در

شرایط بسیار بد زیستی و بهداشتی قرار دارند. سوختنیه و فقدان هرگونه امکانات بهداشتی سلامت زندانیان را به خطر انداخته است. بیماری های گوارشی و پوستی از رایج ترین بیماری ها است.

رفیق رضامقصدی در ادامه افشاگریهای خود به شرایط غیر انسانی ملاقات خانواده های زندانیان با عزیزان به بند کشیده شان و نحوه محاکمه بیدادگاه های رژیم و شیوه های فاشیستی اعدام زندانیان پرداخت و سپس اسناد و عکسهای منتشره از مراسم اعدام، آثار شکنجه های بجای مانده در بدن زندانیان و عکسهای بسیاری از مبارزان راه آزادی که در رژیم جمهوری اسلامی ایران تیرباران شدند با اعلام تعلقات سیاسی - تشکیلاتی آنان در اختیار روزنامه نگاران، محققان و نویسندگان مختلف کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس، گذاشته شد. انتشار نام ها و عکس ها و انعکاس

نویسندگان ایران سوزانده شده است. این خیانت عظیم به فرهنگ ایران با یورش وحشیانه به دانشگاه های ایران همراه بوده است. هنر ستیزی و فرهنگ ستیزی رژیم، کار را به "انقلاب فرهنگی" کشانده است که در نتیجه آن صدها استاد مترقی و متعهد و هزاران دانشجوی انقلابی و دمکرات از دانشگاه ها اخراج شدند. جلوی انتشار روزنامه ها و نشریات مترقی که به برکت انقلاب در اشاعه افکار ترقی خواهانه سهم زیادی داشتند، گرفته شده است. روزنامه نگاران و خبرنگاران متعهد که در سالهای ۵۷-۵۸ نقش ارزنده ای در اعتلای جنبش انقلابی مردم ایفا نموده بودند با در زندان و خطر اعدام آنها را تهدید می کند یا به اجبار جلای وطن کرده اند و یا در خانه هایشان منتظر شیخون نیروهای آیت الله خمینی هستند. ضربه سنگینی که جمهوری اسلامی به هنر و خلاقیت های هنری زده است شاید با هیچ دوره ای از تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران قابل مقایسه نباشد.



رفقا سیاوش کسرایی، رحیم نامور رضامقصدی در کنفرانس آپسو

داستان نویسی و شعر سرنوشت غم انگیزی دارند. احسان طبری، محمود اعتمادزاده (به آذین) و محمد پورهرمزبان و دیگر ارزش آفرینان فرهنگ و ادب ایران در زندان های جمهوری اسلامی زیر شدیدترین شکنجه ها قرار دارند. تلذذ و سینما آنچنان به ابتدال کشیده شده است که "جای آنست که خون موج زند در دل لعل". اکثر نویسندگان و هنرمندان مردمی یا در زندانند، یا اعدام شده اند و بعضی از آنها به ناچار به کشورهای دیگر پناهنده شده اند و آنهایی که در کشور مانده اند از فعالیت آنها جلوگیری می شود. جای موسیقی ملی و مترقی ما را مرتبه سربای های غم انگیز پر کرده است؛ از هر طرف نغمه های شوم بگوش می رسد. یک هنر، تنها یک هنر در جمهوری اسلامی باقی مانده است، آنهم هنر سردمداران رژیم حاکم است که ایران را به ماتمکنده ای تبدیل کرده است.

در پایان این کنفرانس ویژه، هیات نمایندگی ایران به پرسش های نویسندگان و روزنامه نگاران کشورهای آسیا و افریقا و امریکای لاتین در مورد مسایل ایران پاسخ گفتند.

ارزش های انقلابی ناخدا افضلی و همراهان، کیتا علیشاهی و شهدای دیگر حزب توده ایران صحنه اعدام رفقا شهریار و احسن ناهیدتوماج و یاران همزمنش و دیگر فدائیان شهید محمد رضاسعدتی، اشرف ربیعی و بسیاری از شهدای سازمان مجاهدین خلق ایران، سیامک اسدیان، محسن شانه چی، سعید سلطانپور - شاعر و نویسنده مبارز، مهرا ن شهاب الدین، نورالدین ربیعی، بهروز سلیمانی و محسن افشار بکشلو بسیاری از رزمندگان دیگری که در راه سعادت مردم چانشان را از دست داده اند، همه و همه تصویر روشنتری از ماهیت ددمنشانه جلدان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران ارائه نمود.

آنگاه رفیق سیاوش کسرایی دیدگاه های به غایت ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران را در عرصه های فرهنگ و فعالیت های هنری مطرح ساخت. او در قسمتی از سخنانش گفت: بدنبال اختناق و سانسور شدید مطبوعات و جمع آوری کتب مترقی از تمام کتابفروشی ها صدها روشنفکر و هنرمند راهی زندان ها شدند. بسیاری از دست نوشته های شاعران و

همبستگی پرشور طبقه کارگر و نیروهای دمکراتیک پاکستان با مبارزات کارگران ذوب آهن اصفهان

بقیه از صفحه اول

علیه کارگران ذوب آهن را قویا محکوم کرده و افزوده است: "عمل رژیم اساسا تضعیف پایه استقلال ملی بوده و کوششی است که توسط نوکران مرتجع امپریالیسم برای انتقامجویی از کارگران ایران به خاطر شرکت آنها در انقلاب بهمن ۵۷ انجام می گیرد. ما از همه نیروهای صلحدوست، دمکرات و میهن پرست، به ویژه طبقه کارگر جهان می خواهیم صدایشان را، در پشتیبانی از برادران طبقاتی زمندشان در ایران، بلند کنند."

بیانیه فدراسیون کارگران متحد پاکستان

فدراسیون کارگران متحد پاکستان نیز بیانیه ای در حمایت از مبارزه کارگران ذوب آهن اصفهان انتشار داده است. در این بیانیه آمده است: "فدراسیون کارگران متحد پاکستان از مبارزه قهرمانانه ذوب آهن اصفهان که علی آن، کارگران جانانشان را بر سر خواستهای عادلانه گذاشته اند و هنوز با عزمی رزمجویانه در راه آن مبارزه می کنند، اطلاع یافته است."

فدراسیون، از خواستها و مبارزه قهرمانانه فولادگران اصفهان حمایت می کند. واگذاری واحدهای سودآور ذوب آهن به بخش خصوصی که نشانگر تداوم سیاست های شاه نوکر امپریالیسم است... فدراسیون از مبارزه کارگران علیه واگذاری (ذوب آهن) به بخش خصوصی که ضربه بزرگی بر ساختمان یک اقتصاد واقعا مستقل وارد می کند، پشتیبانی می نماید. "بیانیه به امضای بنی احمد، دبیر فدراسیون رسیده است."

همچنین صدر فدراسیون کارگران پاکستان، مولابخش، درباره اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان بیانیه ای صادر کرد که در آن گفته شده است: "کارگران قهرمان ذوب آهن اصفهان در اعتصاب به سر می برند... آغاز اعتصاب به علت اعلام تصمیم مدیریت مبنی بر واگذاری واحدهای سودآور مجتمع، به بخش خصوصی بوده است. طرح مذکور، تهدیدی علیه یکپارچگی و یقیناً ذوب آهن است، و از سوی دیگر در صورت تحقق آن، منجر به بیکاری بیش از پنج هزار کارگر می گردد."

در حقیقت، این تصمیم قبل از انقلاب بهمن، از سوی رژیم شاه اتخاذ شده بود که پیروزی انقلاب مانعی بر سر راه اجرای آن گردید. اما پس از پیروزی انقلاب مجدداً در صدد احیای طرح ضد کارگری مذکور هستند. اعتصاب کارگران به خاطر حراست از یکپارچگی ذوب آهن و دفاع از حق ابتدایی و انسانی اشتغال به کار، حق بنیادی، دمکراتیک و اتحادیه ای کارگران است.

ما حمایت و همبستگی خود را با کارگران اعتصابی - متجاوز از ۲۰ هزار نفر - اعلام می داریم... و از تمامی کارگران پاکستان دعوت می کنیم همبستگی خود را با کارگران ایران بطور گسترده ای ابراز نمایند."

پیام اتحادیه کارگران ذوب آهن پاکستان

کمیته اجرایی اتحادیه دمکراتیک کارگران

ذوب آهن پاکستان خطاب به کارگران ذوب آهن اصفهان و طبقه کارگر ایران پیامی فرستاده است که در آن، بنام بیست هزار نفر از کارگران ذوب آهن پاکستان، بزرگترین مجتمع صنعتی کشور و یادگار شکوهمند و تاریخی دوستی صمیمانه اتحاد شوروی با توده های زحمتکش پاکستان، گفته شده است:

"تصمیم به اعتصاب در زمانیکه مدیریت ضد کارگری و رژیم جنک طلب جمهوری اسلامی ایران، سرگرم اجرای توطئه نابودی دستاوردهای انقلاب با تحمیل تصمیم کهنه رژیم ستمگر شاه برای واگذاری واحدهای سودآور ذوب آهن به بخش خصوصی، که در صورت اجرای آن هزاران کارگر بیکار، یکپارچگی ذوب آهن نابود و پایه مادی استقلال اقتصاد ملی فرسوده می گردد، پاسخی به موقع و درست بود."

انقلاب ضد امپریالیستی - مردمی بهمن ۵۷ که شاه را سرنگون کرد و غارت امپریالیستی ثروت ملی مردم ایران را متوقف نمود، بدون شرکت طبقه کارگر ایران به رهبری نمایندگان واقعی اش تحقق نمی یافت، و نقش کارگران ذوب آهن اصفهان در این رابطه پررنگ است. بنابراین، رژیم با حمله به طبقه کارگر و سازمان های نماینده اش، ماهیت ضد انقلابی و مقاصد امپریالیسم پسندانه اش را افشای کند."

در قسمتی دیگر از پیام آمده است: "ما زحمتکشان ذوب آهن پاکستان و کسانی از میان ما که در ذوب آهن اصفهان دوره کارآموزی را گذرانده اند... با همه توانمان از مبارزه کارگران با هدف عدالت خواهانه تامین منافع توده های زحمتکش ایران و برای استقلال اقتصاد ملی دفاع می کنیم."

پیام مزبور را نذیر احمد چودری، دبیرکل کمیته اجرایی اتحادیه دمکراتیک کارگران ذوب آهن پاکستان امضا کرده است.

ابراز همبستگی

بزرگترین اتحادیه کارگری پاکستان

اتحادیه کارگران راه آهن پاکستان که با ۱۲۲ هزار عضو، بزرگترین اتحادیه کارگری این کشور است، نیز از اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان اعلام حمایت نمود. منظور احمد و... از صدیقی صدر و دبیر این اتحادیه در کراچی، با صدور یک بیانیه مطبوعاتی که در روزنامه کثیرالانتشار امن انتشار یافت، ضمن دعوت به اتحاد عمل همه اتحادیه ها و فدراسیونهای کارگری پاکستان بر علیه روشهای بیرحمانه و ددمنشانه متداول در ایران، عملیات سرکوبگرانه ضد کارگری سردمداران رژیم ایران را محکوم کردند.

بیانیه اتحادیه کارگران و کارمندان

پالایشگاه ملی پاکستان

همچنین نعیم احمد، صدر، و وحید اختر نایب اول صدر اتحادیه کارگران و کارمندان پالایشگاه ملی پاکستان، بیانیه مشترکی در مورد اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان انتشار دادند. در این بیانیه، ضمن اعلام همبستگی با مبارزه

نویسندگان مترقی پاکستان

بقیه از صفحه آخر
"سطح حسن" با ایران آشنایی کاملی دارد و مولف کتابی است، با عنوان "انقلاب ایران". سبط حسن یار و همکار نزدیک فیض احمد فیض شاعر فقید پاکستان بوده است. متن پیام ایشان چنین است:

انقلاب ایران که حکومت ستمگر شاه را واژگون کرد، با استقبال همه اقشار مردم در پاکستان بجز نوکران امپریالیسم آمریکا، روبرو گشت.

اما شیوه خائنانه ای را که رژیم تحت سلطه ملاء، پیش گرفته است موجب دلسردی همه ما می شود، زیرا ما صادقانه بر این باوریم که سیاست اعدای وسیع و پایمال کردن حقوق بشر از سوی دولت ایران، زیانهای بی شماری برای انقلاب و نیز مردمی که مبارزات و فداکاری هایشان ضامن پیروزی انقلاب بود، به بار آورده است. مردمی که انقلاب کردند اکنون توسط ملاءهای سفاک و ایادیشان سریعاً اعدام می شوند.

برای ما اطلاع از این خبر که مقامات ایرانی دکتر احسان طبری شاعر و فیلسوف بزرگ را نیز به زیر شکنجه کشیده اند، اندوه بزرگی بود. او شکنجه و تحقیر گشته و با اتهامات پوچی محاکمه می شود. ما نویسندگان پاکستان خواهان آنیم که احسان طبری بیدرتنگ آزاد گردد و اتهامات علیه او پس گرفته شود.

ما همچنین خواهان آنیم که:

- ۱- جنک فرسایشی بین ایران و عراق فوراً پایان یابد و اختلافات از طریق مذاکره حل شود.
- ۲- حقوق دمکراتیک همه احزاب، سازمانها و افراد میهن پرست و مترقی تضمین گردد.
- ۳- همه زندانیان سیاسی و از جمله نویسندگان، شاعران و روزنامه نگاران دربند، بیدرتنگ آزاد شوند.
- ۴- آزادیهای مدنی مردم شامل آزادی عقیده، بیان، مطبوعات و اجتماعات، تضمین گردد.

کارگران ذوب آهن در دفاع از حق کار، و محکوم ساختن نقشه های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی، از سازمانهای بین المللی خواسته شده است تا به پشتیبانی از مطالبات حق طلبانه کارگران ذوب آهن اصفهان اقدام نمایند.

بیانیه انجمن دمکراتیک زنان پاکستان

م - نورانی، رهبر انجمن دمکراتیک زنان پاکستان، بیانیه ای در مورد اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان صادر کرد که در آن آمده است: "رژیم ج ۱۰ نه تنها با احیا تصمیم رژیم مستبد شاه مبنی بر واگذاری بخشهای سودآور ذوب آهن به بخش خصوصی، به اقتصاد کشور آسیب می رساند، بلکه با اخراج کارگران، شرایط (زندگی) خانواده های کارگران ایرانی را به مخاطره می اندازد."

دانشجویان پاکستانی از

کارگران ذوب آهن اصفهان، حمایت کردند علاوه بر این، فدراسیون دمکراتیک دانشجویان بلوچستان پاکستان (وابسته به اتحادیه بین المللی دانشجویان و فدراسیون بین المللی جوانان دمکرات) و فدراسیون دانشجویان پشتون نیز در ارتباط با اعتصاب ذوب آهن اصفهان پیامهایی انتشار داده و ضمن ابراز همبستگی با کارگران اعتصابی، سیاستهای ضد کارگری رژیم ج ۱۰ را محکوم کرده اند.

از میان رویدادها



انتقاد رئیس قوه قضائیه از رژیم شاه بخاطر عدم موفقیت در مبارزه با حزب توده ایران

موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور و رئیس شورای عالی قضایی جمهوری اسلامی در طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی که در تاریخ هشتم دی ماه در تهران برگزار شد، رژیم شاه را بخاطر اینکه نتوانسته است حزب توده ایران را ریشه کن سازد، مورد سرزنش قرار داد.

وی در پاسخ به پرسش خبرنگاران ژاپنی در مورد علل به تعویق افتادن محاکمه رهبران حزب توده ایران گفت: "شما می دانید تشکیلات توده ای در ایران نسبتاً مربوط است به چهل و چند سال پیش و این تشکیلات، تشکیلاتی بوده نسبتاً منسجم که روی آن کار شده بود. و برخورد جدی و حسابی با آن نشده بود حتی در رژیم سابق. با اینکه با اینها کاملاً مخالف بودند و برخورد می کردند، اما برخوردشان موفق نبود."

موسوی اردبیلی در این مصاحبه علت اصلی تاخیر مکرر در محاکمه رهبران حزب را لزوم دقت بیشتر و هراس از تکرار "خطای شاه دانست. وی گفت: "اگر بخواهیم به این مسئله درست رسیدگی کنیم، یک تشکیلات چهل پنجاه ساله در این مملکت، آن هم با آن انسجام، آن همه رویش کار شده، بالاخره این باید رسیدگی شتابزده و عجله نمی شود کرد. باید دنبال آن طوری گرفته شود که دیگر فردا پس فردا، مجدداً برای ما اسباب فکر و زحمت نباشد."

رفسنجانی: تنگه هرمز را می بندیم!

در هفته های اخیر مسئولین جمهوری اسلامی مجدداً به فکر بستن تنگه هرمز افتاده اند! از جمله رفسنجانی یکبار در دیدار با روحانیون عضو حزب جمهوری اسلامی و بار دیگر در سینار فرماندهان نیروی زمینی به تبلیغ در این مورد پرداخت.

وی در دیدار با روحانیون عضو حزب جمهوری اسلامی گفت: "ما براحتی می توانیم تنگه هرمز را ببندیم. در آن روز (بخاطر قطع صدور نفت) اعلام ریاضت می کنیم و خودمان هم در اینجا نمی مانیم همگی به جبهه می رویم!"

رفسنجانی در سینار فرماندهان نیروی زمینی نیز تاکید کرد: "جنگ هستی ماست. ما واقعا تنگه هرمز را می بندیم و دنیا را در بحرانی می اندازیم که بیرون آمدن از آن محال باشد."

جمهوری اسلامی ایران، نفت را ارزانتراز قیمت پایه اوپک می فروشد

غرضی وزیر نفت جمهوری اسلامی در بازگشت از کنفرانس اخیر اوپک در طی یک مصاحبه مطبوعاتی سخنان متناقضی را تجویل خبرنگاران داد. او از یکسو گفت جمهوری اسلامی از قیمت پایه اوپک که برابر با ۲۹ دلار به ازای هر بشکه نفت است عدول نخواهد کرد و از سوی دیگر تاکید کرد "قیمت رسمی نفت خام ایران تابع شرایط نظامی و موقعیت جزیره خارک و خلیج فارس می باشد."

معنای این سخنان آقای وزیر این است که جمهوری اسلامی نفت ایران را ارزاتر از قیمت اوپک در اختیار شرکت های نفتی قرار خواهد داد. غرضی برای توجیه تخلف جمهوری اسلامی از قیمت گذاری اوپک اعلام داشت: "کشور ما امکانات فروش مناسب نفت را داراست، اما وقتی حق بیمه ها از ۵ درصد به ۷/۵ درصد افزایش می یابد، ما باید قیمت نفت مان را طوری تعیین کنیم (یعنی به میزانی بایئین آوریم) که قادر باشد با نفت سایر کشورها در بازارهای مصرف قابل رقابت باشد."

با توجه به کسر بودجه دولت، تداوم سیاست های جنگ افروزانه رژیم در خلیج فارس و تاکید رژیم بر ادامه جنگ با عراق پیش بینی می شود که رژیم در سال جدید بیش از سال گذشته از قیمت پایه اوپک فاصله بگیرد.

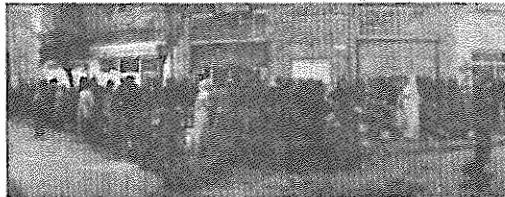
کمبود نفت و بنزین در تهران و شهرستانها

به دنبال بروود شدید هوای بارش برف سنگین هفته های گذشته، کمبود مواد سوختی در تهران و شهرستانها به صورت کاملاً محسوس در آمد. مردم ناچار شدند ساعتها در برابر نفت فروشی هایی بایستند که تکه ای مقوا را به پشت شیشه هایشان چسبانده و روی آن نوشته بودند: "نفت نداریم"

دولت برای ندادن نفت به مردم، مهلت دریافت کوپن ها را محدود ساخته است، و این در حالی است که کمبود نفت و ازدحام در جلوی نفت فروشی ها اجازه نمی دهد مردم سهمیه شان را دریافت کنند. به این ترتیب بسیاری از کوپنها باطل می شود بدون این که نفتی دریافت شده باشد.

در صفهای طولیل مقابل نفت فروشی ها اعتراضات مردم نسبت به رژیم جلوه بارزی می یابد. مردم به درستی علت کمبود نفت را سیاست رژیم مینی بر تداوم جنگ می دانند و این عقیده را علناً ابراز می دارند.

علاوه بر آنکه، کمبود گازوئیل و بنزین به صورت چشمگیری مشخس است. در هفته های اخیر در تهران شایع شده است که دولت می خواهد مجدداً بنزین را کمرنگ کند.



صف خرید نفت در اصفهان

کساکش بین وزارت بازرگانی و کمیته امور صنعتی

اخیراً با اعلان غیرقانونی بودن کمیته امور صنعتی از سوی وزارت بازرگانی، کساکش بین این وزارتخانه و سران بازار بالا گرفته است. بازار می خواهد از کانال منصوب کردن معتمدین خود در این کمیته کاملاً بر امور اصناف کنترل داشته باشد و سیاستهای خود را به وزارت بازرگانی دیکته کند. اما این وزارتخانه بنا بر الزامات اجرایی خواستار آن است که بر این کمیته تاحدی نظارت داشته باشد.

بعد از این که مسئولین سابق کمیته امور صنعتی که منصوبین عسکر اولادی وزیر سابق بازرگانی هستند، به این نظارت تن ندادند و با تغییر مسئولین این

کمیته به صورتی که نمایندگان وزارتخانه مذکور نیز در کمیته حضور داشته باشند، مخالفت کردند. قضیه به مجلس کشانده شد و صادق امانی، جعفری وزیر بازرگانی، زامورد سؤال قرار داد.

بالاخره از آنجایی که بازار می خواست کمیته امور صنعتی را کاملاً درید اختیار داشته باشد، توافق حاصل نشد و وزارت بازرگانی در تاریخ ۸ دی ماه اطلاعیه صادر کرد که فعالیتهای کمیته امور صنعتی غیرقانونی است.

در همان روزی که این اطلاعیه صادر شد کمیته امور صنعتی نیز طی اطلاعیه ای اعلام نمود در طی گردهمایی اعضای هیات مدیره ۱۲۶ اتحادیه صنعتی که زیر پوشش این کمیته هستند، تصمیم گرفته شده است مقدمات تشکیل مجمع امور صنعتی و شورای مرکزی اصناف آماده شود. به این ترتیب کمیته تمام سران بازار را بسیج کرده است که حرف خود را به کری بشناند. کساکش بر سر این مساله ادامه دارد.

سیاست های وزارت صنایع سنگین در حمایت از بخش خصوصی

بهزاد نبوی وزیر صنایع سنگین در گردهمایی ۲ دی ماه مدیران و مسئولان بخش خصوصی واحدهای تحت پوشش وزارت صنایع سنگین، بر لزوم پشتیبانی از بورژوازی صنعتی تاکید کرد و از انبساط غالب سرمایه ها در عرصه توزیع انتقاد نمود.

وی اعلام کرد وزارتخانه تحت مسئولیت او "سیاست حمایت و هدایت و تشویق هر چه بیشتر بخش خصوصی به سرمایه گذاری و تولید صنعتی" را پیش می برد. وی در این زمینه گفت: "این تصور که وزارت صنایع سنگین مخالف رشد سرمایه گذاری بخش خصوصی است، درست نیست. آنچه ما با آن مخالف بوده و هستیم، سرمایه گذاری بیش از حد بخش خصوصی در امر توزیع و واسطه گری های غیر ضروری است."

در گردهمایی مذکور، نبوی برای اینکه نشان دهد وزارتخانه اش تا چه حد بر حمایت از بخش خصوصی در زمینه سرمایه گذاری در صنایع مصر است، آماری از موافقت های اصولی و پروانه های تاسیس صادره از سوی وزارت صنایع سنگین را ارائه داد.

وی در این مورد اظهار داشت: "در زمینه صنایع سنگین در سال ۵۸ تعداد ۴۶ فقره، سال ۵۹ تعداد ۱۴۷ فقره، سال ۶۰ تعداد ۲۲۷ فقره، سال ۶۱ تعداد ۶۰ فقره، سال ۶۲ تعداد ۱۹۴۲ فقره و تنها در ۹ ماهه اول سال ۶۳، تعداد ۱۷۵۹ فقره موافقت اصولی صادر شده است.

در حالی که در سال ۵۶ که بالاترین ارقام در رژیم گذشته مربوط به آن سال بوده، در کل صنعت ۸۵۷ فقره موافقت اصولی صادر شده است. ضمناً مبلغ ریالی موافقت های اصولی صادره برای کل صنایع در سال ۵۶ معادل ۲۵ هزار و ۴۲۱ میلیون ریال و در سال ۶۲ معادل ۲۰۴ هزار و ۴۶۱ میلیون ریال بود که ۸/۶ برابر سال ۵۶ می باشد. موافقت های اصولی صادر شده تنها روی کاغذ نبوده است. برای مثال با توجه به شرایط جنگی و درگیریهای داخلی و بحرانیهای اقتصادی در سال ۶۲ تعداد واحدهایی که پروانه تاسیس گرفته اند آنهم فقط در صنایع سنگین، به اندازه کل پروانه های تاسیس صادره در سال ۵۶ می باشد."

اعزام عده دیگری از نیروهای بسیجی به جبهه‌ها

بنا به گزارش مطبوعات رژیم در تاریخ ۹ دی ماه عده‌ای از نیروهای بسیج و نیروهای متشکل در طرح "لیبک یا خمینی" از تهران و شهرستان‌ها به جبهه‌های جنگ اعزام شدند. رژیم کوشید با تبلیغات همیشگی خود تعداد نیروهای اعزامی را زیاد جلوه دهد و لذا از "هزاران" نفر سخن گفت. اما تعداد این افراد که بعد از مدت‌ها تبلیغات در مراکز سپاه و بسیج جمع‌آوری شده‌اند به مراتب کمتر از آنی است که رژیم وانمود می‌سازد.

گریز جوانان از جبهه‌ها، شانه خالی کردن مشمولین از خدمت سربازی و کم اثر شدن بسیار چشم‌گیر تبلیغات رژیم برای جذب نوجوانان و جوانان در بسیج، رژیم را برای تامین نفقات با مشکلات جدی مواجه ساخته است.

تشکیل کمیسیون ویژه

بررسی مسائل کردستان در هیات دولت

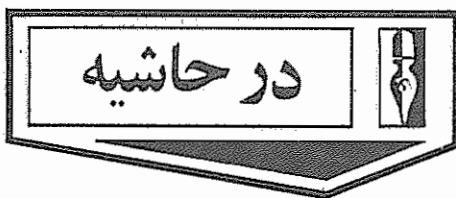
شیخ عطار استاندار آذربایجان غربی که اخیراً به اتفاق استاندار استان کردستان در جلسه هیئت دولت شرکت کرده است، اعلام داشت هیئت دولت کمیسیون ویژه‌ای با شرکت وزرای کشور، سپاه، اطلاعات، ارشاد، آموزش و پرورش، وزیر مشاور در امور اجرایی و استانداران استانهای کردستان و آذربایجان غربی تشکیل داده است که وظیفه آن بی گرفتن اوضاع کردستان با دقتی ویژه و گزارش تحولات این منطقه به هیئت دولت است. این کمیسیون وظیفه دارد هم پای عملیات نظامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، یک سلسله تمهیدات "اقتصادی" و "فرهنگی" برای ضربه زدن به جنبش مقاومت خلق کردتدارک ببیند.

خرج و دخل روستائیان در ایران

اخیراً از سوی مرکز آمار ایران نشریه‌ای با عنوان "نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی سال ۱۳۶۱" انتشار یافته است. بررسی آمار مندرج در این نشریه نشان می‌دهد که درآمد متوسط ماهانه یک خانوار روستایی در ایران ۲۲۵۶۲ ریال و هزینه متوسط آن در ماه ۴۲۱۱۶ ریال می‌باشد.

از مجموع هزینه‌های ماهانه یک خانوار روستایی در سال ۶۱/۸۵ درصد آن به هزینه‌های خوراکی و ۴۶/۲ درصد آن به هزینه‌های غیرخوراکی اختصاص داشته است. متوسط هزینه ماهانه یک خانوار روستایی در سال ۱۳۶۱ نسبت به سال ۱۳۵۸ معادل ۷۵/۲ درصد افزایش را نشان می‌دهد. این افزایش در مورد هزینه‌های خوراکی ۱۰۴/۲ درصد و در مورد هزینه‌های غیرخوراکی ۵۰/۲ درصد بوده است.

نتایج بدست آمده از درآمد خانوارهای روستایی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۱ مجموع درآمد ماهانه یک خانوار روستایی ۲۲۶۵۲ ریال است که از این مبلغ ۲۸/۱ درصد ناشی از فعالیت اعضای خانوار در مشاغل مزد و حقوق‌بگیری (خصوصی و دولتی)، ۴۱/۴ درصد مربوط به مشاغل آزاد کشاورزی، ۱۲/۹ درصد مربوط به مشاغل آزاد غیر کشاورزی، ۲/۴ درصد مربوط به درآمدهای متفرقه پولی خانوار و ۱۴/۲ درصد بقیه مربوط به درآمدهای متفرقه غیرپولی خانوار است.



"مصادره اموال کلان سرمایه‌داران معجز شرعی نداشت"

یک نماینده مجلس: بعد از پیروزی انقلاب اموال برادران فولادی از سرمایه‌داران بزرگ و وابستگان به رژیم پهلوی مصادره می‌شود اما بعداً "آقایان" به فکر افتادند که بهر نحوی باشد این اموال را از مصادره خارج کنند. منجمله آنها همین محمد حسن فولادی که الان فراری است و اینها یک شرکتی را پیدا کردند که به ثبت نرسیده بوده و رفتند صلح و مصالحه کردند و به آن شرکت حبه کردند.

اول اسم این شرکت دیزل الکتریک بوده و بعد اسم آن را عوض کردند تا بعداً همه بدهکاری و بستانکاری آن به گردن شرکت دیزل الکتریک بیفتد و یک اسم جدید دیگری در این وسط گذاشته‌اند به نام شرکت تجارثی دیزل الکتریک. "شرکت تندرا"، "شرکت یاسا" شرکتی‌هایی در رابطه با باجبری نیرو در رابطه با القانیان و طوفانیان بوده و الان در مصادره ارتش است و ارتش آن جا را به حساب خودش گذاشته است.

آقایان فولادی‌های فراری یک راه فرار پیدا کردند به وسیله بعضی افراد ساده لوح گفته‌اند به شما حبه می‌کنیم و آنها هم گفته‌اند هیچ اشکالی ندارد. در حین این حبه ۱۲ میلیون تومان رد و بدل شده و اسناد و مدارک آن در پیرونده موجود است و خودشان آمدند سو استفاده کردند و ۱۴۰ میلیون تومان در این میان کش رفته‌اند. یک دفعه دیگر هم ۲۲ میلیون تومان کش رفتند.

این کارخانه و شرکت دیزل الکتریک در وقتی که مصادره می‌شده به اندازه ۲ میلیارد ریال به دولت بدهکار بوده... وقتی که مصادره شده وزارت بازرگانی آن را بدست گرفته و احیا کرده و بدو دولت را دادند. بعد آنها آمده‌اند می‌گویند این متعلق به ماست.

حاکم شرع نیز حکم (مصادره) را نقض کرده است و می‌گوید... رای به استرداد اموال متکی و مبتنی بر دلیل قطعی و معجز شرعی نمی‌باشد." (کیهان-۲۶ آذر)

ضابطه عزل و نصب مسئولین

یک نماینده مجلس:

"مردم می‌گویند این مسئولی که نصب شده و جواز اذیت ما را دریافت کرده متخلف است، متعدی به حقوق مردم است، فرصت طلب است، بی ضابطه و بی معیار است، مردم را با اعمال خودش به شدت ناراضی کرده و با یک مسئولی متعهد است، مومن است، مجرب و کاردارن ولایت است (اما عزل می‌شود)، مسئولین در جواب پاسخ شکایت مردم به مامی گویند که دلیل عزل او این است که چون فلان آقا او را تأیید نمی‌کند و یا این که اثرانصب می‌کنیم به این دلیل که یا فلان آقا موضع نداشت."

(اطلاعات-۲۶ آذر)

طلاق ۴ همسر در آن واحد

خبرنگار کیهان: آیا مردی که دوزن دارد می‌تواند در آن واحد برای دوزن خود تقاضای طلاق کند؟ مهدوی کرمانی رئیس دادگاههای مدنی خاص: مرد می‌تواند در آن واحد مثلاً برای چهار زن خود تقاضای طلاق کند.

(کیهان-۶ دی)

آزادی مطبوعات درج ۱۰

کیهان (۱۱ دی):

"مسئولین هر تصمیمی را که دلشان خواست می‌گیرند و این روزنامه است که باید دستش بلرزد که آیا با آن برخورد بکند یا نه. در نهایت اگر جرات برخورد ریشه‌ای و اصولی را نیز به خود بدهد هر روز منتظر است تا عکس العمل گاه حتی فیزیکی و از موضع قدرت فلان مسئول درجه چندم یا حامیانش به چشم ببینند."

حزب الله در هالیوود

رفسنجانی:

"هر کدام از افراد حزب الهی متعهد خود سد محکمی در مقابل فحشا و فساد است. حتی اگر یکی از اینها را به هالیوود ببرند، پس از مدتی می‌تواند بسیاری از افراد آنجا راه‌آبادت کنند."

(کیهان-۸ دی)

فقه نفتی

یکی از نمایندگان مجلس:

"تکیه به نفت کرده‌ایم و جاده، فرودگاه، بندر، خیابان، تونل، راه‌آهن، تلفن، دانشگاه، مدرسه، آموزشگاه، پلیس و ژاندارم برای آسایش و تحصیل و مال اندوزی و حفاظت ثروت و مال اغنیا تأمین می‌کنیم و این است فقه نفتی!" (اطلاعات-۲۹ آذر)

آبگوشت تریاک

موسوی اردبیلی:

"تا مواد مخدر در بازار هست، نه قانون می‌تواند کاری بکند و نه قاطعیت. چندین تن هروئین گرفتند و با این همه گرفتن هاقیمتش یک ریال هم بالا نرفته است. اگر گندم هم بود اینقدر که می‌گرفتند، مردم بی‌نان می‌ماندند."

نمی‌خواهم بگویم دادگاهها و مامورین مبارزه، چون موثر نیست هیچ کاری نکنند. اگر چنین شود آن وقت آدم آبگوشت هم که بردارد توی قاشقش تریاک است."

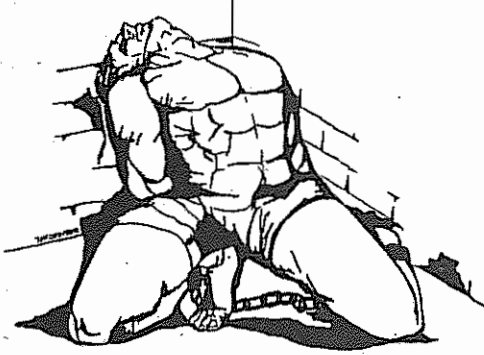
(کیهان-۱۲ دی)

"هر روئین بسیار ارزان شده"

نماینده مجلس:

"امروز غم بارترین مساله در کشور ماساله مواد مخدر است و کلای قاچاق است... حتی در خود تهران مساله مواد مخدر کولاک کرده و قیمت کرد یعنی هروئین بسیار ارزان شده. عواملی وجود دارد که جوانهای خوب و پاک ما را آلوده به مواد مخدر کرده‌اند... الان صدها مورد در روستاهای کشور که خودم ناظر آن بودم وجود دارد. اکثر روستائیان و حتی دختران دم بخت را آلوده مواد مخدر کردند." (کیهان-۲۶ آذر)

مجموعه گزارشهایی از زندانهای تهران (۲)



ادامه گزارش از زندان قزل حصار:

شکنجه های جسمی در زندان قزل حصار

مانگونه که در آغاز این گزارش گفتیم اکثر قریب به اتفاق کسانی که در زندان قزل حصار گرفتارند، از شکنجه گاههای دیگر به این محل انتقال یافته، دوره محکومیتشان مشخص است و به اصطلاح زیر بازجویی نیستند. لذا شکنجه در این زندان از بعضی جهات مشخص با شکنجه در زندان اوین تفاوت هایی دارد. این بدین معنا نیست که زندانی در این اسارتگاه تحت شکنجه های شدید قرار نمی گیرد. زندانی سیاسی در رژیم جمهوری اسلامی، از آغاز تا انجام با تازبانه سروکار دارد. ممکن است رژیم اطلاعات تازه ای در مورد زندانی بدست آورد، ممکن است مسئولین زندان بر آن شوند تا مجدداً میزان مقاومت زندانی را بسنجند و تاثیر چند ماه یا حتی چند سال اسارت را بر روی او بیازمایند، ممکن است در مورد سازمانی که زندانی بدان وابسته است مسائل جدیدی مطرح شود، ممکن است از نظر مسئولین اسارتگاه عمل "خلافی" از زندانی سرزند... همه این عوامل ممکن است فرد را دوباره و سه باره و چند باره، روانه اتاقهای تعزیر سازد.

به همه این عوامل باید سادیسم دژخیمان و سردخیمان رژیم را نیز افزود. در همین زندان قزل حصار که مورد بررسی ماست، بسیاری آمده و پیش می آید که رحمانی، راساً و یابیه دستور لاجوردی، بدون هیچ گونه دلیل روشنی، یک زندانی را از بندهای عمومی بیرون کشیده، به سلولهای انفرادی بفرستد و به مدت چند روز یا حتی چند هفته مورد شکنجه قرار دهد.

لاجوردی همه زندانهای سیاسی جمهوری اسلامی را قبول خویش می داند. واقعیت هم این است که قلمرو فرمانروایی او - در حال حاضر نیز که ظاهراً از ریاست شکنجه گاه اوین برکنار شده است - به این زندان محدود نمی شود. از اوین که بتدریج در میان بقیه زندانها، لاجوردی بیش از همه در قزل حصار نفوذ دارد. او به پنهانهای واهی دستور می دهد از این یا آن زندانی در قزل حصار مجدداً بازجویی شود. و طبیعتاً بازجویی جدا از شکنجه نیست. اوبعضاً عوامل خود را - از پاسدار گرفته تا خائنین تواب - به این زندان می فرستد تا حضور خود را در این اسارتگاه کاملاً ملموس سازد.

رحمانی چنانیکار خود دست کمی از لاجوردی ندارد. او کوشش می کند در تمام موارد از این دژخیم که او را "مرشد" خود می داند پیروی کرده و حتی از او پیشی بگیرد.

ساده ترین شکل آزار جسمی زندانیان در قزل حصار سرپا نگه داشتن به مدت طولانی است. "خلاف" های ساده با این مجازات و با قطع موقت جیره غذایی زندانی و نیز ممنوع کردن هواخوری در حیاط بندها برای چند روز یا چند هفته پاسخ داده می شود. معمول ترین شکل شکنجه تعزیر با شلاق است. اگر

بر روی زندانی حساسیت خاصی باشد خود رحمانی نیز در اطاق تعزیر حاضر شده و مشخصاً تازبانه به دست می گیرد. زدن مشت و لکدبه صورت ممتد، دستبند قبانی و سوزاندن بدن زندانیان با سیگار نیز رواج کامل دارد.

بعضاً شکنجه زندانیان به دست یک گروه از توابین انجام می شود که دیگر کاملاً مغزشان شستو داده شده و به صورت موجوداتی مسخ شده در آمده اند. آنها با نظارت کامل رحمانی از هیچ جنایتی خودداری نمی کنند. یک نمونه از عملکرد جنایتکارانه اینان در شماره ۲۲ و ۲۴ "اکثریت" با عنوان "یازده روز حکومت نذلای" به تفصیل توصیف شده است.

زندگی دربند

تا اواسط سال ۶۲ تقسیم کار در اتاقهای زندان قزل حصار به این صورت بود که هر روز یک یا دو نفر به نوبت "کارگر" اتاق می شدند و انجام کارهایی از قبیل ظرف شستن، جارو کردن، سفره انداختن و نظایر اینها را بر عهده می گرفتند. اما مسئولین زندان با این نوع تقسیم کار که نشان دهنده دوستی و رفاقت بین زندانیان بود به شدت مخالفت کردند و از همین رو این شیوه را ملغی ساختند.

مسئولین زندان می خواهند حتی ساده ترین روابط نیز بین زندانیان شکل بگیرد. آنها می خواهند با افرادی منفرد و منزوی سروکار داشته باشند که خود را در کنج اسارت تنها و بی پناه احساس کنند. به همین خاطر مرتب علیه سازمانهای انقلابی سپاهی می کینند و به دروغ از دستگیریهاء، ندانتهای و خیانتهای گمترده خبر می دهند. از پیش خبرهای مربوط به جنبشهای اعتراضی خلق و بویژه اعتصابات به شدت جلوگیری می کینند و قدرت رژیم را لایزال جلوه می دهند.

مسئولین زندان به شدت از شکل گیری روابطی که مبنای صنفی دارند جلوگیری می کنند، جو عدم اعتماد به وجود می آورند و تلاش می کنند از اختلافات موجود بین نیروهای سیاسی انقلابی در درون زندان نیز به نفع خویش بهره برداری کنند. همه این تمهیدات نشان دهنده هراس آنها از مقاومت های جمعی است.

اما در برابر این توطئه ها تجربیات گرانقدر زندانیان قرار دارد. آنها آموخته اند چگونه نقشه های دژخیمان را خنثی ساخته و بین خویش فضایی آکنده از صمیمیت، همبستگی و اتحاد را ایجاد نمایند.

همچنانکه قبلاً گفتیم از اواسط سال ۶۲ تقسیم کار جمعی در اتاقهای قزل حصار ممنوع شد. رحمانی اعلام کرد که هیچکس حق ندارد از ظرف دیگری استفاده کرده و دو نفر بام غذا بخورند و هیچکس حق ندارد کاری را برای یکی از هم بندهایش انجام دهد. هدف رحمانی دژخیم از اعمال این مسئوعیت ها تنها شکستن

روحیه کار جمعی نبود. او گمان می کرد که مسائل ساده ای مثل ظرف شستن ممکن است بین افراد درگیری ایجاد کند. چرا که قبلاً ظرف شستن کار ساده ای بود ولی بعد از بخشنامه جدید مثلاً ۴۵ نفر مجبور می شدند در آن واحد از ۸ دستشویی برای شستن ظرف های خود استفاده کنند.

مسئولین زندان می کوشند نحوه گذران وقت زندانی را خود تعیین کنند تا حتی دقیق نیز با فشار و کسالت سپری شوند. آنها از طریق توابین و مسئولین بندها بر این امر نظارت دارند. علی رغم کنترل شدید، زندانیان آموخته اند چگونه تا حد ممکن نحوه گذران روزها را خود تعیین کنند. ساختن کارهای دستی ساده، آموختن زبانهای خارجی بصورت مخفی، تحلیل سیاسی در جمع های کوچک و قابل اعتماد، تعریف کتابهایی که خواننده و فیلمهایی که دیده اند، جمع آوری اخبار و پخش آنها در سطح زندان... همه از جمله فعالیت هایی هستند که در شیوه ها و شکل هایی جا افتاده، مدت ها است رواج یافته و هر یک از آنها به گذران ساعات معنی داده و در ارتقای روحیه افراد و تاثیر بر روی مقاومت جمعی نقش بسزایی را ایفا می کنند.

همه این فعالیتها با دقت ویژه ای انجام می گیرند. چرا که مطابق با آئین نامه انضباطی زندان که در تابستان ۶۲ ابلاغ شد هر یک از این فعالیتها مجازات سنگینی را در پی دارند. بندهایی از این آیین نامه از این قرارند:

- هر گونه شوخی کردن ممنوع است.
- آموختن و آموزش دادن زبانهای خارجی ممنوع است.
- هم زمان با برنامه تلویزیون باید در بند سکوت مطلق برقرار شود.
- شرکت در همه کلاسهای آموزشی اجباری است.
- هیچکس حق استفاده از وسایل شخصی دیگری را ندارد.
- هیچکس مجاز نیست به زندانیان دیگر، کمک مالی کند.
- هیچکس مجاز نیست با دیگران مشترکاً سیگار بکشد.
- هیچ کس حق صحبت در گوشی با کس دیگری را ندارد.
- تجمع به هر دلیل، ممنوع است.
- هیچکس حق تماس گیری با بندهای دیگر را ندارد.
- هیچکس مجاز نیست با اتاقهای دیگر بند خود

چند توصیه برای آنکه به زندان می افتد

شعری از: **نظام حکمت**

اگر ترا دار نزنند
و به زندانت افکنند
بدان دلیل که امید خود را از دست نمی دهی
— امید ترا به جهان، به کشورت و به انسانها
و ده پانزده سال در زندان باشی
— صرف نظر از آنکه بیشتر هم خواهی بود
هیچگاه نگو کاش به دارم می آویختند
و چو نان پرچی در باد تکان می خوردم
میتر باش زندگی کنی
میتر باش زندگه بمانی

شاید زندگیت دیگر
شادمانه نباشد
اما وظیفه است
حتی يك روز بیشتر زنده ماندن وظیفه است
وظیفه است چرا که دشمن چنین نمی خواهد

ممکن است در زندان به يك اعتبار
تنهای تنها باشی
همچون سنگی در ته يك چاه
اما بعد دیگری از وجود تو
باید آنچنان با حرکت جهان بیامیزد
که در زندان
هر گاه در مکانی دور دست برگی تکان بخورد
تو به لرزه بفتی

در زندان انتظار نامه کشیدن
و سرودهای مهیب خواندن
و خیره شدن در سقف به انتظار طلوع
زیباست
اما خطرناک است

هر بار که ریشمی تراشی به صورت خود بنگر
سن خود را از یاد ببر
و مصون بدار خود را
از شیشها و غروب روزه های بهاری
اما هرگز فراموش نکن
تکه نان ترا تا ریزه آخرش بجوی
و از ته دل بخندی

ممکن است زنی که دوستش میداری
دیگر ترا دوست نداشته باشد
نکو به گفتش نمی آرز
برای مردی که در زندان است
این بدان می ماند
که شاخه سبزی بشکنند

در زندان
اندیشیدن به گل سرخ و باغ باد آسگ
فکر کردن به کوهها و دریاها خوب است
دانا خواندن، نوشتن و باقتن را
به تو توصیه می کنم
و نیز نگاه کردن به آینه را

همه اینها بدان معنی نیست که در زندان
ده پانزده سال و یا حتی بیشتر به سر ببرد
ممکن نیست
ممکن است
ممکن است اما تنها به این شرط
که گوهری که در سمت چپ سینه توست
تیره نشود

انجام پذیرد. در حیاط بند و یا در راهرو زندانیان
دقیقا زیر نظر گرفته می شوند. گاه مسئول بند به
یکباره دو نفر زندانی را که باهم قدم می زنند از
یکدیگر جدا می کند و از هریک جداگانه می پرسد که
در مورد چه مطالبی بحث و گفتگو می کرده اند. عدم
انطباق گفته ها مجازات سختی را در پی می آورد.

در زندان قزل حصار افراد بسیاری را می توان
یافت که اگر چه دوره محکومیتشان به سر آمده است،
اما آزاد نمی شوند. در همین چند هفته گذشته قرار بود
تعدادی از زندانیان آزاد گردند
اما رحمانی بر مبنای خطا جو روی، حادثه دو انفجار
در تهران را بهانه قرار داد و اعلام کرد هنوز شرایط
برای آزاد شدن حتی کسانی که دوران محکومیتشان بسر
آمده است، مساعد نیست و لذا آنان نیز همچنان باید
در زندان بمانند. این تصمیم اعتراض گسترده همه
زندانیان را برانگیخت.

علاوه بر تمدید زمان محکومیت و فرستادن به
اتاقهای تعزیر و انواع و اقسام محدودیتها، یک
مجازات دیگر زندانیان "خاطی" قزل حصار، که
اخیرا رواج زیادی یافته است، تبعید آنها به زندان
کوهر دشت است.

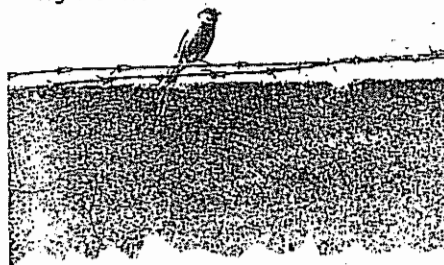
زندان کوهر دشت

زندان کوهر دشت حکم تبعیدگاه دیگر
زندانیان تهران را دارد. اما علاوه
بر ژنته انیان تبعیدی، بدلیل کمبود جای ویژه از اوایل
سال ۶۲ به بعد، زندانیان دیگر نیز به این اسارتگاه
می فرستند. این زندان تا اوایل اسال دست کم
پنج هزار زندانی را در بر می گرفت.
کوهر دشت را در رژیم پیشین بنا کرده بودند. اما
شاه آرزوی بهره گیری از این زندان را با خود به
گور برد. وقتی که رژیم منحوس پهلوی سرنگون شد،
این زندان مخوف نیمه تمام به عنوان سندی از
سبعیت و تبهکاری گردانندگان آن حکومت، در
سیمای ایران به نمایش گذاشته شد، تا نشان دهد که چه
نقشه های سیاه دور و درازی برای مردم می کشیدند.

پس از پیروزی انقلاب قرار بود که این زندان
به عنوان سندی از تبهکاریهای رژیم سرنگون شده
به همان حالت نیمه تمام نگهداری شود. اما چندان
نگذشت که حکام تازه را به آن نیاز افتاد. با صرف
هزینه های هنگفت نه فقط کار ساختمان آنرا به پایان
رساندند بلکه فراتر از طرح پیشین گسترش دادند و
دسته دسته از فرزندان خلق را روانه سلولهای تنگ و
تاریکی آن کردند.

زندان کوهر دشت دارای سلولهای انفرادی
زیادی است. بسیاری از زندانیان ماهها در این
سلولها بسر برده و حتی از ناچیزترین امکانات
اسارتگاه های دیگر محرومند. در این زندان از
رادیو، تلویزیون، روزنامه، هواخوری و... خبری
نیست. کیفیت غذا و بهداشت نیز به مراتب ناآلتر
از اوین و قزل حصار است.

(ادامه دارد)



رفت و آمد داشته باشد.
— همه باید فارسی حرف بزنند. استفاده از
زبانها و گویشهای دیگر مطلقاً ممنوع است...
رعایت این ماده آخر آئین نامه در جریان
ملاقات زندانیان با خانواده هایشان که هر ۲۰ روز
یک بار انجام می گیرد نیز اجباری است.
بعضا در حضور پاسدارهای آشنا به زبان
آذربایجانی، به این زبان نیز می توان با خانواده
مکالمه کرد.

مقاومت جمعی در زندان قزل حصار

همچنانکه در آغاز این گزارش گفتیم اکثر
قریب به اتفاق زندانیان قزل حصار کسانی هستند که
مدت محکومیتشان مشخص شده و هریک به دلیل طول
اسارتشان تجربیات فراوانی از برخورد با مسئولین،
پاسدارها و کل سیستم زندانهای جمهوری اسلامی
دارند. از همین روشل مقاومت جمعی در این زندان
نسبت به اسارتگاه های دیگر نسبتاً پیشرفته تر است.
در این زندان نیز مقاومت جمعی از او اسال
۶۱ جنبه بارزی به خود گرفت. تاپیش از این هنگام به
دلیل جورعب و وحشت بسیار شدید و کثرت اعدامها،
مقاومت اساساً شکل فردی داشت. انس گرفتن
زندانیان با یکدیگر از یک سو و از سوی دیگر خو
گرفتن آنها با جو زندان، بر بستر نفرت عمیق از رژیم
و تاثیرات مقاومت های فردی و چهره های برجسته ای
که در میان آنان وجود داشت، به تدریج مقاومت را
به عرصه جمع کشاند. در این مرحله جدید نیز از
شکستها و پیروزیها درس گرفته شد و حرکات شکل
سنجیده تری را به خود گرفتند.

مهمترین تجربه زندانیان قزل حصار در این
مرحله حرکتی بود که از جانب زندانیان بند واحد ۲
در اوایل زمستان ۶۱ علیه توابعین صورت گرفت. همه
زندانیان مبارز از این تجربه آموختند که لازم است
سنجیده تر حرکت کرده و پتانسیل بالفعل مقاومت
جمعی را به دقت در نظر داشته باشند. بعد از این
حرکت، فعالیت های جمعی بویژه از تابستان سال ۶۲ به
بعد عمق، گسترش و پختگی بیشتری یافتند.

عظمت مقاومت جمعی زندانیان آنگاه به خوبی
در ذهن منعکس می شود که توجه داشته باشیم این
مبارزه در چه وضعیتی صورت می گیرد. بی توجهی به
دستورات مسئولین زندان، عدم حضور در
برنامه هایی که آنها برای زندانیان تدارک
می بینند، ارتباط گیری با زندانیان دیگر، منفرد
ساختن توابعین و خائنین، کسب خبر و اشاعه آن در
سطح تمام بندها، ارتقای روحیه جمع به شکلهای
مختلف... هر یک به تنهایی ممکن است محکومیت
یکی دوساله را به ابد و حتی به اعدام تبدیل سازد.

مقاومت در زندان در شرایطی به پیش برده
می شود که دژ خیمان کنترل دقیقی در همه بندها و اتاقها
اعمال می کنند. در قزل حصار در هر اتاقی دست کم
یک توابعین وجود دارد که با اصطلاح "آنتن" است و همه
حرکات زندانیان را گزارش می کند. مسئولین بند
نیز هر هفته و یا حداکثر هر دو هفته یک بار اتاق
زندانیان را عوض می کنند تا جلوی اخت شدن افراد
هم اتاقی را با یکدیگر بگیرند.

کنترل تا حدی در قزل حصار دقیق است که
صحبت های دو نفره نیز باید با رعایت احتیاط کامل



چه خوابی برای کارخانه ماشین سازی تبریز دیده اند؟

مدهاست که مسئولین کارخانه ماشین سازی تبریز با استفاده از هر فرصتی که به دست می آورند، سخنان یک نواختی را تکرار می کنند از قبیل اینکه "کارخانه سودآور نیست" و یا "کارخانه به این همه کارگر نیازی ندارد"

در میان کارگران گفته می شد که با این سخنان می توانند زمینه اشراج نامشروع کارگران را فراهم سازند. در این اواخر کارگران مطلع شدند که مقامات بر آن هستند تا مقصد کارگر این کارخانه را به دیگر کارخانجات تبریز منتقل سازند.

اخیرا در پی آمد و رفت مکرر مقامات سپاه پاسداران به کارخانه، کارگران بالاخره دریافتند که انگیزه مسئولین از اخراج و یا انتقال کارگران این واحد چیست؟ روشن شد که قصد دارند خط تولید کارخانه را در جهت تولید جنگ افزار تغییر دهند. از هم اینک نیز در یکی از بخشهای کارخانه گروهی از کارگران ماهر را تحت نظریکی از متخصصین سپاه، به تولید آزمایشی ابزارهای جنگی واداشته اند. هم زمان با این فعل و انفعالات، و در همان حال که مدیران کارخانه مدام از بی پولی دم می زنند، ماشین های تراش کامپیوتری از آلمان فدرال خریداری کرده و در حال راه اندازی آنها هستند.

در تاریخ ۱۲ آذر انتقال کارگران کارخانه به دیگر واحدهای تولیدی آغاز شد. در این روز ۲۵ تن از کارگران را به کارخانه تراکتورسازی منتقل کردند. کارگران انتقالی ضمن اعتراض به این تصمیم، محل تازه کار را ترک کرده و به کارخانه ماشین سازی برگشتند. در این جا ابتدا از ورودشان جلوگیری به عمل آمد، اما آنها با قاطعیت موفق شدند مسئولین را به عقب نشاندن و به سرکار خود بازگردند.

توطئه های شوم مسئولین در این کارخانه هم چنان ادامه دارد و هر از چندگاهی عده ای از کارگران را با بانه های مختلف اخراج می کنند

سنگ اندازی های شهرداری تهران در برابر تعاونی های مسکن

در شماره های گذشته خبر داده بودیم که اتحادیه تعاونی های مسکن کارگری تهران، در پی مبارزاتی ممتد نتوانسته بودند، بخشی از زمینهای مورد نیاز را، در شهرک غرب بدست آورند. پیش از این، از جمله ترفندهای مسئولین برای منصرف ساختن کارگران از پیگیری مطالبات، آن بود که مدعی شده بودند به صلاح کارگران نیست در شهرک غرب در کنار سرمایه داران سکونت کنند! اما این ترفند ره به جایی نبرد و کارگران توانستند در بخشی از زمین های این شهرک عملیات ساختمانی را آغاز نمایند. اما سنگ اندازیهای مسئولین هم چنان ادامه یافته است. از جمله اخیرا به کارگران ابلاغ کردند که باید خاکهای حاصله از تسطیح این زمینهای تپه ماغور را - که حجم بسیار زیادی هم دارد - به منطقه

دیگری در بیرون شهر منتقل نمایند! از دیگر دستورات شهرداری این است که کارگران باید از هم اینک هر ماهه مبالغ هنگفتی بابت فضای سبز، نگهداری، شرفاز مرکزی و... بپردازند!!

با اخذ مالیاتهای کمر شکن، کسبه جز را غارت می کنند

دولت برای تامین مخارج جنگ هر روزه مالیاتهای تازه تری وضع می کند و برای دریافت آن بر فشارهایش، بیش از پیش می افزاید. در حالی که کلان تاجران برخورد از حمایت مقامات ذی نفوذ از پرداخت مالیات طفره می روند، کسبه جز و پیشه وران را برای دادن مالیاتهای کمر شکن در تنگنا قرار داده اند. طبق یک بخشنامه، دادن کالاهای سهمیه ای به کسبه جز را مشروط به ارائه برگه مقاصد حساب کرده اند. متن بخشنامه چنین است.

بسمه تعالی

وزارت امور اقتصادی و دارائی

به: مدیریت تعاونی شهری استان آذربایجان

شرقی

از: اداره کل امور اقتصادی و دارائی

آذربایجان شرقی

سلام علیکم

پیرو نامه شماره ۳۵۱۷ - ۶۲/۲/۱۲ و مذاکره تلفنی با برادر جعفری، نظیر اینکه وصول مطالبات دولت در این برهه از زمان اهمیت فوق العاده ای دارد و به منظور همکاری و تشریک مساعی آن مدیریت محترم نسبت به وصول و ایصال حقوق و مطالبات دولت و جلوگیری از تراکم بدهی اعضای شرکتهای تعاونی خواهشمند است به مدیریت عامل شرکتهای تعاونی صنوف مختلف دستور فرمائید قبل از اخذ مقاصد حساب مالیاتی مشاغل از حوزه های مالیاتی ذیربط از تحویل کالاهای سهمیه ای خودداری نمایند.

قبلا از همکاری که در این مورد مبذول خواهید فرمود تشکر می نمایم.

سرپرست اداره کل امور اقتصادی و دارائی

آذربایجان شرقی.

"معجزه" حکومت برای کلان سرمایه داران

در یکی از مجتمع های مسکونی تهران در خیابان کریم خان، عده زیادی مهاجر جنگی و تعدادی از اعضای بسیج مستضعفین زندگی می کنند. این مجتمع پس از انقلاب توسط مردم مصادره شده بود و پیش از آن در تملک سرمایه دار بزرگی به نام خانم پری رخ قرار داشت. این سرمایه دار بزرگ که گفته می شود، دختر خاله شاه منفور بود، در تهران، اصفهان و... مستقلات و املاک بسیاری را در مالکیت داشت.

هشت ماه قبل مقامات قضایی، حکم استرداد املاک مصادره شده او را صادر کردند و در پی آن تشبثات این شخص برای تخلیه مجتمع از ساکنین آن آغاز گردید. اما ساکنین این مجتمع حاضر نشدند خانه هایی را که سالها در آن سکونت داشته اند تخلیه کرده و در اختیار این سرمایه دار غارتگر قرار دهند. آنها در همه این مدت هشت ماه، سرخشانه در برابر حکم شورای عالی قضایی مقاومت نمودند.

حمایت آشکار مقامات قضایی و مملکتی از خانم پری رخ تاثیر مهمی در ژرفش آگاهی ساکنین این مجتمع - که برخی از آنان از اعضای ارکان های

امنیتی رژیم هستند - بر جای گذاشت. آنها در ادامه اعتراضات خود اخیرا نامه ای به مسئولین مملکتی نوشتند که بخشهایی از آن چنین است:

... برادر عزیز، این خانم آمده است که مالهای نامشروع خود را مشروع کند و از بالای خانه ویلایی خود لبخند ملیح بر مستضعفین ایران و جهان بزند.

برادر! ایشان مال و متاع نامشروع زیادی دارد، از قبیل همین آپارتمان... مکان نامشروع دیگری دارد واقع در خیابان نوفل لوشاتو، مکان دیگری هم واقع در خیابان شهید بهشتی... همچنین آپارتمان دیگری در خیابان میرداماد که اکثرا مساحتی نزدیک به هزار متر دارند... ملک هایی در انگلستان و اصفهان دارد.

حال این خانم آمده است این ملک را از دست ما بگیرد و ما با پشتوانه محکم به اینکه دولت از مستضعفین حمایت می کند... گفتیم تا این دولت وجود دارد، خیال باطل می کند... ولی ناکامان متوجه شدیم که ایشان حکم تخلیه این خانه را گرفته است. ما این فکر را می کنیم که آیا ایشان با معجزه این حکم را گرفته است؟...

اخباری کوتاه از مدارس ارومیه

● در هنرستان کشاورزی ارومیه در مهرماه به دانش آموزان ابلاغ کردند که از این پس پسران نیز مانند دختران موظفند "شئون اسلامی" را در پوشش مراعات کنند. از اینرو پوشیدن لباسهای آستین کوتاه و یاکاپش ممنوع است. دانش آموزان به این دستور توجهی نکرده و در روز بعد به روال همیشه لباس پوشیدند. رئیس هنرستان دستور داد تعداد زیادی از دانش آموزان را که با کاپش در هنرستان حاضر شده بودند، از کلاسهای درس اخراج نمایند. این دستور با واکنش اعتراض آمیز دیگر دانش آموزان مواجه گردید. از آن پس هر روز تعداد بیشتری از دانش آموزان با کاپش یا پیراهن های آستین کوتاه به هنرستان می آمدند. مسئولین آموزش و پرورش وقتیکه همه تهدیدات خود را بی نتیجه دیدند ناچار شدند در اواخر مهرماه این حکم را لغو نمایند.

● در مهر ماه اطلاعیه ای از ستاد پشتیبانی جنگ در دبیرستانهای این شهر خوانده می شود که طی آن از دانش آموزان خواسته شده بود برای رفتن به جبهه ثبت نام کنند. در پایان اطلاعیه تاکید شده بود که این دسته از دانش آموزان می توانند نسبت به قبولی در امتحانات پایان سال مطمئن باشند.

● دانش آموزان روستائی که در دبیرستانهای ارومیه تحصیل می کنند با مشکل حاد مسکن روبرو هستند. در یک اطاق کوچک سه دانش آموز روستائی ناگزیرند زندگی کنند.

● سه اجاره هر یک از آنها ۲۰۰۰ ریال می شود. صاحبخانه ها اجاره نه ماه را پیشاپیش مطالبه می کنند.

● کلیه کودکانهای شهر را تعطیل کرده اند. گفته می شود قصد دارند کودکانها را به بخش خصوصی واگذار کنند.

● تا کنون که چندین ماه از آغاز سال تحصیلی سپری شده است، هنوز در بسیاری از مدارس کادر دبیران و آموزگاران تکمیل نشده است. برخی از کتابخانه های هنوز توزیع نشده است.

ابراز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران در هندوستان

پشتیبانی از حقوق زنان ایران در هندوستان

بقیه از صفحه اول

فوری جنگ با عراق تاکید شده است. خبر تشکیل این جلسه در نشریه صلح و همبستگی شماره ۱۱ نوامبر، درج گردید.

پونا

در تاریخ یکم تا سوم دسامبر ۱۹۸۴، کنفرانس صلح ایالت مهاراشترا با فراخوان سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان، در شهر پونا برگزار گردید. در این کنفرانس بیش از ۲۰ هیات نمایندگی از ۱۴ منطقه و تعداد زیادی از شخصیت‌های برجسته سیاسی، اجتماعی و هنری شرکت داشتند. از سوی کمیته برگزارکننده، از فدائیان خلق ایران (اکثریت) - هند و هواداران حزب توده ایران دعوت شد تا در کنفرانس شرکت نمایند.

یکی از سخنرانان برجسته این کنفرانس خانم بریم چاندرام سررامش چاندرارثیس شورای جهانی صلح بود. ایشان ضمن پشتیبانی از سیاستهای صلح دوستانه اتحاد شوروی در حفظ صلح بین‌المللی و همزیستی مسالمت‌آمیز و محکوم کردن سیاستهای جنگ افروزان ایالات متحده آمریکا، خواهان قطع فوری جنگ ایران و عراق، به عنوان یکی از کانونهای مهم تشنج در منطقه گردید.

از طرف کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در پونا، پیامی در کنفرانس قرائت شد که در قسمتی از آن ضمن افشای سیاستهای جنگ افروزان حاکمان مرتجع ایران و توضیح نتایج دشتناک جنگ میان ایران و عراق از بشریت ترفیخ‌خواه خواسته شده است حمایت خود را از مبارزات مردم ایران برای برقراری صلح، گسترش دهند. در این پیام همچنین از مردم صلح دوست هندوستان و سایر کشورها خواسته شده بود صدای اعتراض خود را علیه جنایاتی که در زندانهای جمهوری اسلامی روی می‌دهد، بلندتر سازند.

در پایان کنفرانس علاوه بر تصویب قطعنامه‌ای در رابطه با صلح جهانی، دو قطعنامه دیگر در دفاع از زندانیان سیاسی ایران و پشتیبانی از ضرورت قطع فوری جنگ میان ایران و عراق به تصویب رسید.

دهلی نو

در روز سی‌ام نوامبر در دهلی‌نو به دعوت اتحادیه بین‌المللی دانشجویان فدراسیون سراسری دانشجویان هند، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین - هند، جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) - هند و سازمان جوانان و دانشجویان دمکراتیک ایران - هند، تظاهراتی در پشتیبانی از دولت انقلابی و مردمی نیکاراگوئه برپا شد. تظاهرکنندگان با حمل پلاکارتها و دادن شعارهایی در همبستگی با

مردم و انقلاب نیکاراگوئه و محکوم نمودن امپریالیسم آمریکا و دولت ریگان در برابر "مرکز آمریکا" در دهلی‌نو اجتماع کردند. تظاهرات با استقبال مردم روبرو شد. در مقابل "مرکز آمریکا"، رفیق امرجیت کاور دبیرکل فدراسیون سراسری دانشجویان هند ضمن سخنرانی مهیج خود، علیه سیاستهای ضدبشری امپریالیسم آمریکا دست به افشاکاری زد و گفت مسئول اصلی قتل خانم کاندی "سیا" است. خانم امرجیت کاور در سخنرانی پرشور خود که مورد توجه حضار قرار گرفت، توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه هندوستان، و سواستفاده آن از جنگ ضد مردمی ایران و عراق برای افزایش حضور نظامی خود در منطقه را محکوم کرد.



رفیق امرجیت کاور در حال سخنرانی در برابر "مرکز آمریکا" از سوی شرکت کنندگان در تظاهرات و سازمانهای برگزارکننده این تظاهرات، رفیق امرجیت کاور دبیرکل فدراسیون سراسری دانشجویان هند، دو نامه به راجیو گاندی، رئیس جنیش غیرمتعهدا و خاویر پرز دو کوئیار، دبیرکل سازمان ملل متحد فرستاده شد. در این نامه‌ها با اشاره به اعلام آغاز قریب الوقوع به اصطلاح محاکمه اعضای رهبری حزب توده ایران توسط ارگانهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، از دو مقام فوق‌الذکر خواسته شد با استفاده از نفوذ خود، علیه این حرکت ضدبشری و رفتار غیرانسانی با اعضای رهبری حزب توده ایران، و نیز علیه دستگیری، شکنجه و اعدام بی‌رویه زندانیان سیاسی ایران اعتراض نمایند. خواسته‌های شرکت کنندگان در تظاهرات از دبیرکل سازمان ملل متحد عبارتند از:

- ۱- به تلاشهای خود جهت جلوگیری از اعمال جمهوری اسلامی ایران علیه اعضای رهبری حزب توده ایران شدت بخشید.
- ۲- میبایست از پزشکان و قضات متخصص را برای بررسی وضع متهمین و شرکت در دادگاهها به ایران بفرستید.
- ۳- علیه سرکوب زندانیان میهن‌پرست ایران اقدام کنید.

یک اقدام تبلیغی جالب

از سوی هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در استرالیا تقویم سال ۱۹۸۵ انتشار یافته است که در پشت آن این شعارها به چاپ رسیده است:
جنگ بین ایران و عراق را متوقف کنید!
همه زندانیان سیاسی در ایران باید آزاد شوند!
صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی



• Stop war between Iran & Iraq
• Release all political prisoners in Iran
• Peace, Independence, Freedom & Social Justice

سیاستهای بغایت ارتجاعی رهبران جمهوری اسلامی در رابطه با زنان، نفرت و انزجار همه محافل اجتماعی بویژه تشکلهای زنان در همه کشورها را برانگیخته است. در زیر به نمونه‌هایی از افشاکاری در این مورد و پشتیبانی از مبارزات زنان ایران در هندوستان اشاره می‌کنیم:

خانم ویمل فاروقی دبیرکل فدراسیون ملی زنان هند در تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۸۴ طی نامه‌ای خطاب به دبیرکل سازمان ملل متحد، ضمن توصیف وضع اسفبار زنان در ایران بویژه کشتار و شکنجه آنها در زندانها خواستار برخورد اعتراضی ایشان با این مساله شده است. ترجمه متن این نامه چنین است:

فدراسیون ملی زنان هند

به: دبیرکل سازمان ملل متحد

نیویورک - آمریکا

دهلی نو ۲ دسامبر ۱۹۸۴

عالی جناب!

طبق اطلاعات رسیده، زنان در ایران تحت شدیدترین و سخت‌ترین فشارها هستند و از طبیعی‌ترین حقوق هر بشر عادی محرومند. آنها به عناوین موهوم زیر تازیانه قرار گرفته و با سنگسار می‌شوند. تعداد بیشماری از آنها اعدام شده‌اند.

در جمهوری اسلامی به زنان باردار نیز رحم نمی‌کنند. پانداران انقلاب اسلامی به دوشیزگان نیز از آنجایی که طبق شرع اسلام اعدام آنها ممنوع است، قبل از اعدام تجارومی‌کنند.

ما از شنیدن خبرهایی از این دست، شدیداً متاثر و شوکه شده‌ایم. این قابل‌تصور نیست که به نام هر مذهبی که بخواید باشد، چنین اعمال وحشیانه‌ای صورت گیرد.

من از سوی زنان هند از شما تقاضا دارم از نفوذتان استفاده کنید و با مداخله خود به اینگونه اعمال غیرانسانی نسبت به زنان در ایران، خاتمه دهید.

سیاست‌آرام

با تقدیم احترام: ویمل فاروقی دبیرکل

* * *

روزنامه اردو زبان پرتاب چاپ دملی در تاریخ ۶ دسامبر ۱۹۸۴ خبری با عنوان "فشار و ستم بر زنان ایران همچنان ادامه دارد" چاپ نمود که در آن به چگونگی وضع زندانیان سیاسی زن در ایران و کشتار و شکنجه آنها اشاره شده است. کوشه‌هایی از دیگر وجوه پایمال شدن حقوق زنان در ایران، از جمله نداشتن حق طلاق، ازدواج مجدد مرد بدون اجازه همسرش و... نیز در این روزنامه بازتاب پیدا کرده است.

* * *

روزنامه پاتریوت چاپ دملی در تاریخ دسامبر ۱۹۸۴، خبری تحت عنوان "اعتراض زنان ایران" چاپ نمود که در آن به اعتراض تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در هند، به اعمال وحشیانه و قرون وسطایی حکومت جمهوری اسلامی در رابطه با کشتارها و شکنجه‌های وسیع میهن‌پرستان در ایران اشاره شده است.

گزارشی از کوبا: جزیره آزادی، ۲۶ سال پس از پیروزی انقلاب

بقیه از صفحه اول

پخش می‌کنند. آمریکا می‌کوشد زمینه را چنان آماده کند تا در "روز ایکس" بدون کوچکترین مخالفتی بتوانند به هر گونه عملیات ضد کوبایی دست زنند. اما کارزار ضد کوبایی آمریکا موفق نشده است. در میان سندی‌کاها و حتی سرمایه‌داران و نثریبات شرکتها نیز هر روز این عقیده ابراز می‌شود که دستاوردهای ۲۵ ساله کوبای انقلابی، یک واقعیت عینی است که نمی‌توان به سادگی آن را نادیده گرفت. حتی از ورای گردوغبار تبلیغات ضد کوبایی می‌توان به راحتی کوبای نوین، کوبای سرشار از زندگی و نیرو را دید.

کیرو مورویبول دبیر اول کمیته حزب کمونیست کوبا در منطقه نوئوتاس در شرق کشور است. وی از روزهای نخست به قدرت رسیدن دولت مردمی، وارد نیروهای مسلح انقلابی شد و در زمان بحران ۱۹۶۲ کارا ژیب افسر سیاسی یک گروهان بود. پیوبل هفت سال بعد، پس از پایان خدمت در ارتش کادر حزب شد.

او می‌گوید: "منطقه ما در سالهای ۷۰ به یک منطقه صنعتی تبدیل شد. طبیعی است که کمیته حزبی منطقه اغلب باید به مسایل کلکتیوهای جدید کار رسیدگی کند که در کارخانه شیمیایی انقلاب اکثر، در نیروگاه و در کارخانه سیمان که همگی به کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ساخته شده است، ایجاد شده‌اند. اما تنها مایه خوشحالی من، دستاوردها در زمینه تولید نیست. امروز ما امکان یافته‌ایم برای افزایش سطح زندگی مردم کار بیشتری انجام دهیم."

پیوبل می‌افزاید به مناسبت جشن ۲۶ ژوئیه، در نوئوتاس ۱۲۰ واحد مسکونی جدید ساخته شده است. البته این رقم زیاد نیست، چرا که در کارخانجات این منطقه، کارگران زیادی مشغول کارند که تا بحال امکان نیافته‌اند با خانواده‌های خود به آنجا نقل مکان کنند. اما این فقط آغاز کار است. یک خانه جوانان و یک بیمارستان درجه اول با ۲۲۰ تخت ایجاد گردیده است و سه مرکز ورزشی در دست ساختمان است. اقداماتی نیز به منظور تسهیل زندگی مردم انجام می‌گیرد.

میکوئل اسپینوزا کشاورز نیشکر در تعاونی "ویکتوریاد کامپوچیا" (پیروزی کامپوچیا) در استان هواناست. بریکادو هزاران تن بیش از میزان پیش بینی شده در برنامه، محصول نیشکر تولید کرده است.

میکوئل، چند سالن عظیم را بدست نشان داده و می‌گوید: "آنجا کارخانه شکر کامپولسینفولتو است. تا چندی پیش، این کارخانه و تعاونی ما مدیریت جداگانه داشتند. به این دلیل، نوعی خلأ در فعالیت، ایجاد شده بود. در حالی که از مزارع تا سالن‌های پر از شکر یک روند تولید در جریان است. اکنون یک مجتمع کشت و صنعت ایجاد شده که کارخانه و مزارع اطراف آن را در بر می‌گیرد.

"خانواده متوسط" کوبایی را می‌توان بدین ترتیب توصیف کرد:
خانواده کوبایی معمولاً دو فرزند دارد. تقریباً

هفتاد درصد جمعیت در شهرها زندگی می‌کنند. هشتاد و دو درصد آنها دارای یک خانه یا آپارتمان (معمولاً دو اتاقه) هستند. هر خانواده معمولاً یک دستگاه رادیو، یک دستگاه تلویزیون، و در موارد زیادی یخچال و ماشین لباس شویی دارد. آمار حاکی از آن است که در "خانواده متوسط"، یکی از فرزندان به هفده سالگی رسیده و بدین ترتیب، سه عضو خانواده جز جمعیت مولد هستند. اما فقط دو نفر کار می‌کنند، زیرا فرزندان بالغ تقریباً همیشه مشغول تحصیل در مدرسه حرفه‌ای یا عالی هستند.

درآمد خانواده از کجا تامین می‌شود؟ نباید فراموش کرد که در سوسیالیسم، حقوق و دستمزد به هیچ وجه تنها منبع رفاه نیست. در کوبا، آموزش، بهداشت و درمان و ورزش رایگان است. علاوه بر این، در سالهای اخیر، دستمزدها افزایش اساسی یافته است. لااقل یک عضو خانواده حقوق ماهانه‌ای بیش از ۷۶ (پزو) دارد.

در شهرها ۲۸ درصد این درآمد برای تغذیه، یازده درصد برای پوشاک و کفش و یازده درصد دیگر برای سیگار و آشامیدنی خرج می‌شود. ارقام پس انداز زیاد بالا نیست. بدیهی است که بطح مصرف مثلاً در قبایض یا کشورهای پیشرفته پایین تر است، اما وضع نوده‌های مردم در کوبا با سایر کشورهای آمریکای لاتین به هیچ وجه قابل مقایسه نیست.



آهنگ رشد اقتصادی پس از انقلاب بطور متوسط ۴/۷ درصد بوده که یکی از بیشترین ارقام در آمریکای لاتین است. امروز کوبا بیش از ۱/۵ میلیارد پزو در سال صرف هزینه‌های آموزش زحمتکش و بیش از ۵۰۰ میلیون پزو برای بهداشت خرج می‌کند که چند برابر میزانی است که در دوره سرمایه داری بدین برنامه‌ها اختصاص می‌یافت. بیش از ۲۰ هزار دانشجو از آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین تا بحال در کوبا تحصیل کرده‌اند. نخستین نیروگاه هسته‌ای کوبا به کمک اتحاد شوروی در سینفولتو در کناریک پالایشگاه در دست ساختمان است. اتحاد شوروی برای کوبا کارخانجات مدرن ذوب فلز، ماشین سازی، صنایع سبک و انرژی ساخته و به این کشور در افزایش تولید دامپروری و پرورش مرکبات کمک می‌کند.

این همه تنها گوشه‌ای از دستاوردهای عظیمی است که خلق کوبا تحت رهبری حزب کمونیست بدان دست یافته است. خلقی که با ایمان به نیروی خود، به سوی آینده‌ای هر چه درخشانتر و پرافتخارتر در حرکت است.

بقیه از صفحه اول

اعزام اجباری کارگران

در پایان این اطلاعیه با اشاره به اینکه به علت فقدان مواد اولیه تولیدات تا یک سوم کاهش خواهد یافت به کارگران گفته شد که باید در جهاد سازندگی و برای اعزام به جبهه ثبت نام کنند. همزمان با این اطلاعیه حکم اخراج ۵ تن از کارگران صادر شد و خبر داده شد که بزودی ۱۵۰ تن از کارگران اخراج خواهند شد. کل کارکنان این واحد حدود ۵۰۰ تن می‌باشند.

در روز هفتم آذر از کارکنان کارخانه خواسته شد در سالن سخنرانی حضور بهم رسانند. در این جلسه مدیران کارخانه ضمن تکرار مضامین اطلاعیه پیش گفته، اعلام داشتند که برای سرنوشت آتی کارگران سه طرح زیر مورد بررسی قرار گرفت:

۱- کارگران "داوطلبانه" برای خدمت در جهاد سازندگی و رفتن به جبهه ثبت نام کنند.

۲- کارگران نیمه وقت شده و نهار حذف شود. دستمزدها نیز نصف شود.

۳- گروهی از کارگران "داوطلبانه" مرخصی بدون حقوق بگیرند.

مدیریت در پایان خاطر نشان کرد که طرح اول از نظر مسئولین مورد پسند قرار گرفته است. به دنبال سخنان مدیران کارخانه یکی از مقامات جهاد سازندگی پشت تریبون رفته و ضمن تبلیغات عوام فریبانه برای این ارگان، از کارگران خواست تا برای شرکت در جنگ در جهاد نام نویسی کنند.

این تصمیمات چنان بی‌پایه بود که کارگران گمان نمی‌کردند به مرحله اجرا درآید. از این رو بدون اعتراض جدی و بایی توجهی از کنار آن رد شدند. سکوت کارگران در برابر این توطئه که در حقیقت اعزام اجباری به جبهه جنگ محسوب می‌شود بویژه از آن رو بود که در این کارخانه هیچگونه تشکل کاری وجود ندارد. آخرین شورای این کارخانه در تابستان سال گذشته منحل گردیده بود. چورعی که به خاطر اخراجهای پی در پی کارگران در ماه‌های اخیر، ایجاد شده بود نیز مزید علت بود.

امادری آن فشار مدیران و انجمن اسلامی با شدت ادامه می‌یابد. در همان روز در ساعت یک بار از بلندگوی کارخانه اطلاعیه‌هایی در وصف جنگ و دعوت از کارگران برای حضور در جبهه خوانده می‌شد. از این طریق فشار روانی شدیدی را بر کارگران متمرکز کردند. از تلویزیون مدار بسته فیلمهایی در ستایش از جنگ به نمایش گذاشته شد. برچنین زمینه‌ای و برپایه تهدید به اخراج، بالاخره گروهی از کارگران در هیجدهم آذر ناچار شدند برای خدمت در جهاد ثبت نام کنند، تا بتوانند کار خود را در کارخانه حفظ کنند. فردای آن روز مدیریت ۶ تن از کارگران را اخراج می‌کند تا کارگران بیشتری را وادار به رفتن به جبهه نماید. اخراجها، پس از آن نیز همچنان ادامه می‌یابد. در روزهای ۲۷ و ۲۸ آذر نیز حکم اخراج ۶ نفر دیگر اعلام می‌گردد.

به این ترتیب، رژیم کارگران را میان پذیرش اخراج و بیارفتن به جبهه در تنگنا گذاشته است. اما تا کنون علی‌رغم همه فشارهایی که اعمال شده، اکثریت کارگران از ثبت نام در جهاد و رفتن به جبهه سر باز زده‌اند.

رویدادهای جهان



در کنفرانس ژنو، آمریکا به مذاکرات همه جانبه پیرامون خلع سلاح، تن داد

آندره ای کرومیکو و جرج شولتز، وزرای خارجه شوروی و آمریکا در ژنو توافق کردند، مذاکرات جدید خلع سلاح درباره مجموعه سلاحهای هسته ای و فضایی انجام گیرد. در بیانیه مشترک در طرف آمده است همه مسائل مربوط به سلاحهای فضایی و سلاحهای هسته ای استراتژیک و میان برد در پیوند متقابل بررسی و حل خواهد شد. بیانیه مزبور می افزاید: "هدف مذاکرات، تدوین توافقهای موثری خواهد بود که از مسابقه تسلیحاتی در فضا جلوگیری کرده و به آن در روی زمین پایان دهد، سلاحهای هسته ای را محدود ساخته و کاهش دهد و ثبات استراتژیک را تحکیم نماید. مذاکرات از هر طرف توسط هیاتی انجام خواهد گرفت که به سه گروه تقسیم می شود. "در ادامه بیانیه، طرفین این عقیده را ابراز نموده اند که مذاکرات آتی نیز مانند همه کوششها در عرصه تحدید و کاهش تسلیحات باید به نایبوی کامل و همه جانبه سلاحهای هسته ای بیانجامد. تاریخ و محل شروع مذاکرات، در ظرف یک ماه آینده طی تماسهای دیپلماتیک تعیین خواهد شد.

مفاد بیانیه نشان می دهد که برخلاف ادعاهای رسانه های گروهی غرب، مذاکرات آتی گفتگوهای کاملا نویینی خواهد بود و نه ادامه مذاکرات قبلی که بر اثر استقرار موشکهای هسته ای "ضربه اول" آمریکا در خاک اروپای غربی به شکست انجامید. در مذاکرات آینده، "مجموعه مسائلی که به سلاحهای فضایی و سلاحهای هسته ای استراتژیک و میان برد مربوط می شود"، آنهم "در پیوند متقابل" موضوع گفتگوها خواهد بود. این امر از آن جهت حائز اهمیت است که مطابق نوشته مطبوعات غرب، دولت ریگان بی میل نیست مذاکرات با اتحاد شوروی را نشانه "سلحدوستی" خود جلوه گر ساخته و در عین حال، به برنامه خطرناک "جنگ ستارگان" ادامه دهد. برخی مقامات دولت آمریکا از هم اکنون گفته اند که این کشور حاضر به چشم پوشی از این برنامه که به معنای کشادن مسابقه تسلیحاتی به فضا خواهد بود، نیست. این، در حالی است که به گفته کرومیکو برای اتحاد شوروی جلوگیری از نظامی کردن کیهان از همه مسائل دیگر مبرم تر است.

اعلام آمادگی آمریکا برای بررسی مجموعه مسائل مربوط به خلع سلاح بعنوان دستاورد جنبش صلح و مقاومت علیه برنامه های تسلیحاتی آمریکا در کشورهای ناتو ارزیابی می شود. جنبش صلح در این کشورها، در افشای نقشه های پنتاگون برای "آسیبناپذیر ساختن آمریکا به کمک استقرار یک سیستم ضد موشک در فضا و از این طریق هموار کردن راه جنگ هسته ای بدون هراس از ضربات متقابل اتحاد شوروی، سهم مهمی ایفا کرد. این افشاکاری، حتی در محافل محافظه کار نیز تاثیر گذاشت. دستاورد این مبارزات، انفراد کامل آمریکا در سازمان ملل و در برابر ۱۵۰ کشوری است که به قطعنامه ای علیه نظامی کردن فضا رای مثبت دادند.

بزرگداشت سالگرد بنیانگذاری حزب دمکراتیک خلق افغانستان

در تالار پهلوی تکنیک شهر کابل جلسه باشکوهی در بزرگداشت بیستمین سالگرد بنیانگذاری حزب دمکراتیک خلق افغانستان، برگزار شد. ببرک کارمل دبیرکل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق، صدر شورای انقلابی و رئیس شورای وزیران جمهوری دمکراتیک افغانستان، طی سخنانی در این مراسم، از فعالیت حزب دمکراتیک خلق طی ۲۰ سال گذشته تجزیه و تحلیل عینی کرده درباره کامیابی هایی که کشور پس از انقلاب شور به رهبری حزب به دست آورده، و نیز وظایف آتی در گستره پیشرفت اقتصاد و فرهنگ جمهوری مطالبی بیان داشت. ببرک کارمل، توطئه ها و مقصده جویی های امپریالیسم و ارتجاع علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان را محکوم نمود و ارزش زیادی برای کمک همه جانبه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به مردم افغانستان قائل شد. سخنرانی رهبر افغانستان انقلابی، با ابراز احساسات شدید حضار مواجه شد و بارها بواسطه کف زدنهای ممتد، قطع گردید.

در این جلسه نمایندگان بیش از ۲۰ حزب کمونیست و کارگری و سازمانهای ترقیخواه و صلح دوست از سراسر جهان شرکت داشتند. در پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که توسط دبیرکل حزب کمونیست ازبکستان قرائت شد، آمده است اتحاد شوروی در آینده نیز کمک همه جانبه خود را به افغانستان در فرید علیه ضد انقلاب و ساختمان جامعه ای نوین ادامه خواهد داد.

ببرک کارمل گفت از هنگام انقلاب شور، شمار اعضا و اعضای علی البدل حزب دمکراتیک خلق افغانستان از ۱۸ هزار نفر به ۱۲۰ هزار نفر افزایش یافته است و این امر، نشانه افزایش نفوذ حزب در میان توده هاست. وی افزود تحولات اجتماعی - اقتصادی که پس از پیروزی انقلاب به وقوع پیوسته، تمام شئون زندگی را در بر گرفته است. میزان دستمزد کارگران و حقوق کارمندان دو برابر شده و در بخش کشاورزی، اصلاحات ارضی و آبی با موفقیت انجام می گیرد. رهبر افغانستان خاطر نشان ساخت اگر امپریالیستها به جنگ اعلان شده علیه افغانستان نمی پرداختند، این موفقیتها به مراتب بیشتر می بود. دبیر کل حزب دمکراتیک خلق و رئیس شورای انقلاب افغانستان درباره مناسبات با ایران و پاکستان اعلام داشت: "حزب ما و دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان باردیگر بر تمامی ابتکارات خود که قبلا درباره حل و فصل مسائل مورد بحث و حل

نشده در مناسبات با پاکستان و ایران ارائه نموده بود تاکید می کند. ما مذاکرات با پاکستان را که با

میانجی گری دبیرکل سازمان ملل متحد انجام می گیرد، مثبت ارزیابی می کنیم. حزب دمکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان به مسائل دستیابی هر چه سریعتر به عادی کردن اوضاع پیرامون افغانستان از راه سیاسی، برخورد سازنده دارد. "وی افزود: "ما در این رابطه بار دیگر پیگیرانه اعلام می داریم که امضای موافقتنامه هایی با پاکستان و ایران درباره عادی کردن مناسبات، عدم تعرض و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر که با تضمین های اطمینان بخش بین المللی تحکیم یافته باشد و موافقتنامه هایی درباره بازگشت آوارگان، زمینه لازم را برای حل مسئله ادامه حضور بخش محدودی از سربازان اتحاد شوروی در جمهوری دمکراتیک افغانستان، فراهم می کند. رعایت جدی چنین قراردادهایی و انجام تمام و کمال آنها از سوی طرفین، در ارتباط متقابل با یکدیگر، دست یافتن به راه حل واقعا سیاسی و همه جانبه مسئله را ممکن می سازد. مذاکرات مستقیم جمهوری دمکراتیک افغانستان با پاکستان و ایران، مهمترین گام در این راستاست."

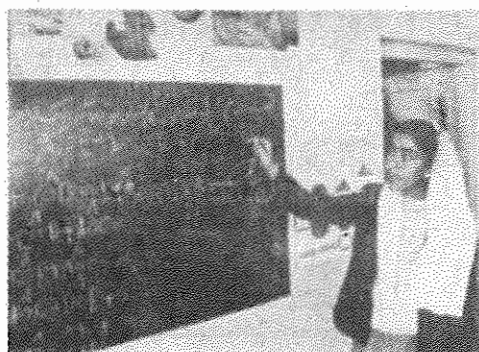
آغاز کار پارلمان و دوره

ریاست جمهوری نیکاراکوئه

دانیل اورتگا نخستین رئیس جمهوری نیکاراکوئه انقلابی که در جریان نخستین انتخابات دمکراتیک تاریخ این کشور، در ماه نوامبر سال گذشته به مقام ریاست جمهوری انتخاب شد، انجام وظایف خود را آغاز کرد. در مراسم ادای سوگند وی، نمایندگان حدود ۵۰ کشور، از جمله فیدل کاسترو رهبر کوبا، حضور یافتند. رئیس جمهوری نیکاراکوئه در برابر دهها هزار نفر که در میدان انقلاب ماناگوآ گرد آمده بودند، سخنرانی کرد. وی اظهار داشت مردم و دولت نیکاراکوئه همچنان به مبارزه خود در راه تامین صلح و شکوفایی، ادامه خواهند داد. اورتگا آمریکا را به خاطر تجاوز علنی در آمریکای مرکزی و تلاش برای از بین بردن دستاوردهای انقلاب نیکاراکوئه مورد حمله قرار داد. وی خواهان حل همه مسائل آمریکای مرکزی از راه مذاکره و بدون مداخله از خارج شد.

همچنین نخستین جلسه مجلس ملی، پارلمان نیکاراکوئه روز پنجشنبه دهم ژانویه برگزار شد.

ناپود باد بیسوادی



افغانستان



نیکاراکوئه

متحد شویم! اعلامیه ای از فدائیان خلق در ترکمن صحرا
دوره "صلح، استقلال، عدالت اجتماعی"
مبارزه کنیم

از سوی فدائیان خلق در ترکمن صحرا در چهاردهم آذر ماه اعلامیه ای با تیتیر فوق در منطقه پخش گردید. در این اعلامیه پس از تشریح خیانت‌های سرمداران رژیم جمهوری اسلامی، به سیاست‌های سرکوبگرانه مرتجعین علیه خلق‌های میهن ما اشاره شد و در پی آن به تفصیل مسئله زمین و برخی دیگر از مشکلات منطقه مورد بررسی قرار گرفت. فشرده بخش‌هایی از اعلامیه چنین است:

بازگرداندن بزرگ مالکان و فئودال‌های طاغوتی مورد توجه مسئولین حاکمیت قرار دارد. به عنوان تازه‌ترین نمونه آن می‌توان به اقدامات وقیحانه سپاه پاسداران علی‌آباد کتول اشاره کرد که در روستائی به نام "بهلکه نفس" در پی آن هستند تا زمینهای دهقانان زحمتکش را از آنان گرفته و به بیانه نبودن قانونی مدون و مشخص در کشور، در اختیار فئودال قرار دهند.

دادگاه‌های به اصطلاح انقلاب در منطقه وبه خصوص در گنبد کاووس، کتیف‌ترین و فاسدترین اشخاص را به دور خود جمع کرده و از طریق این اراذل شناخته شده که تادیب و در خدمت ساواک بوده‌اند محیط خفقان و ترور را حاکم ساخته‌اند. باندهای جداگانه و گوناگون همین دادگاه، از طریق وارد کردن اتهام داشتن اسلحه به اخذ رشوه‌های کلان مشغولند، که جمع این رشوه‌های دریافتی سر به ملیونها تومان می‌زند. هرازگاهی توسط همین بیدادگاه‌ها، بهترین و آگاه‌ترین نیروهای انقلابی منطقه ترکمن صحراء در شهرهای گنبد کاووس، گرگان و بندر ترکمن به جوخه‌های اعدام سپرده می‌شوند. مسئولین جمهوری اسلامی در ترکمن صحراء به گسترش زندانها پرداخته و در حال حاضر نیز زندانهای جدیدی در دست ساختمان دارند.

در کنار تمام این اقدامات، اهانت و هتک حرمت به فرهنگ، زبان و مذهب مردم ترکمن صحراء و خلق ترکمن و نیز تمام کسانی که نمی‌توانند مانند جمهوری اسلامی فکر و زندگی کنند شیدا رواج داشته و کوچکترین حرکت ملی-فرهنگی با سرکوب روبرو می‌شود.

در این میان گسترش فساد و نیز گسترش اعتیاد به مواد افیونی گسترش وسیعی یافته و هر روز و هر ساعت، جوانان بسیاری را که می‌توانند در رشد و شکوفائی کشور مثمر باشند، به کام خود می‌کشد. ارگانهای قضائی منطبقه ترکمن صحراء در این قسمت، "با یک دست می‌دهند و از دست دیگر می‌ستانند". عوامل این ارگانها با قاچاقچیان حرفه ای بده و پستان دارند.

اعلامیه در پایان ضمن یادآوری اینکه "ظلم و ستمی که بر مردم ترکمن صحرا از طرف حاکمیت جمهوری اسلامی تحمیل شده، در سراسر ایران و بر خلقهای دیگر میهنیان و دیگر اقلیتها اعمال می‌شود" تاکید کرد که "راه برون رفت از این محیط خفقانی و ضد انسانی در مبارزه ای مصمم و متحد است."

پیام‌های تبریک

به کمیته مرکزی سازمان، به مناسبت برگزاری پیروزمندانۀ پلنوم

در حق انقلابیون اعمال می‌کنند. خون کارگران و دهقانان را بر زمین می‌ریزند. مطالبات حق طلبانه زحمتکشان را با کشتار و سرکوب پاسخ می‌دهند. در برابر این بربرمنشی‌ها "ایستادن تا پای جان، محور مبارزات همه انقلابیونی است که پرچم استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در اهتزاز نگه داشته‌اند."

ارتجاع حاکم در تلاش برای نابودی آخرین بقایای انقلاب بهمین است. اما توده‌های مردم مصمم هستند از دستاوردهای انقلاب خود دفاع کنند، جلوه‌هایی از آن را در افسریه، دخانیات، کاندادارای و ... به نمایش گذاشته‌اند. مشعل مبارزه مردم مردم فروزانتر می‌شود و کارمرتجعین رسوا، در دستیابی به اهداف ارتجاعی دشوارتر می‌شود. اینک از هر زمان دیگری بیشتر اطمینان داریم که سرانجام این نبرد را مردم با پیروزی خود تعیین خواهند کرد.

رفقای

در سرتاسر میهن، فدائیان خلق، رزم پرشکوهی را پیش می‌برند. بابرگزاری پلنوم و ارائه نتایج گرانقدر آن، ما استوارتر از همیشه در راه اهداف شریف طبقه کارگر و منافع همه رنجبران پیکار خواهیم کرد. ما اطمینان داریم که همه آن دسائس امپریالیستی و ارتجاعی و همه سرکوب و کشتار، ره بجائی نخواهد برد و پیروزی از آن ماست.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!
ننگ و نفرت بر خائنان و سازشکاران!
برقرار باد صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی!

آبسان ماه ۶۲

کمیته ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) - سازمان‌داران

در ادامه انتشار پیام های شادباش به کمیته مرکزی به مناسبت برگزاری پلنوم، در این هفته فشرده پیام کمیته ایالتی سازمان را درج می‌کنیم.

پیام تبریک کمیته ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) - سازمان‌داران
رفقای ارجمند کمیته مرکزی!

صمیمانه‌ترین تبریکات ما را به مناسبت برگزاری موفقیت آمیز پلنوم مهرماه ۶۲، تقدیم می‌داریم. ایمان راسخ داریم که تلاش مسئولانه و پیر ارج شما که به صدور قطعنامه‌های راهگشا و تصویب قراردادهای کار سازنده زمین‌های اساسی منجر گردید، تأثیرات بسیار سازنده و معنیتی در روند زندگی سراسر حماسه سازمان بر افتخارمان برجای می‌نهد. ما بویژه از این جهت که همه تصمیمات به اتفاق آرا و در فضائی سرشار از وحدت فکری و سیاسی اتخاذ گردید "احساس غرور کرده، قدرشناسی عمیق خود را ابراز می‌داریم."

رفقای ارجمند!

کادرها، اعضا و هواداران سازمان در سازمان‌داران، ضمن تایید کامل تصمیمات منخده در پلنوم، با غرور و افتخار اعلام می‌دارند که در پیشبرد خط مشی سازمان و در مبارزه با ارتجاع حاکم که "سیطره آن به مانع عمده در راه تحقق استقلال کامل، آزادی و عدالت اجتماعی مبدل شده" با تمام وجود پیکار می‌کنند و در این راه دشوار از بدل جان دریغ نداشته و تا به آخر به سنن افتخار آفرین فدائیان خلق که با خون چزنی‌ها، حمید اشرف‌ها و توماس‌ها شکل گرفته وفادار خواهند بود.

رفقای گرامی!

پاسداران منافع ارتجاع، در زندانهای مخوف، وحشیانه‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین شکنجه‌ها را

نویسندگان مترقی پاکستان خیانت‌های رژیم ج.ا. را محکوم میکنند

کشته است با انزجار به جمهوری اسلامی می‌نترند. اخیراً ما در همین رابطه پیامی از "سید حسن" چهره مشهور ادبی، اجتماعی و سیاسی پاکستان دریافت کرده ایم که در آن از جانب نویسندگان مترقی این کشور فجایعی را که در میهن ما می‌گذرد محکوم کرده است.

خیانت‌های رژیم جمهوری اسلامی به انقلاب، نفرت همه محافل اجتماعی مترقی در سطح جهان را برانگیخته است. نویسندگان و هنرمندان پیشرویی که با علاقه‌مندی تمام، انقلاب ایران را پی می‌گرفتند و از آن پشتیبانی به عمل می‌آوردند، اکنون که دستاوردهای انقلاب از سوی رژیم لگدکوب

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را

با جمع آوری کمک مالی

رفقای فدایی

فدائیان خلق را در انجام

در هوستون تگزاس (آمریکا)

وظایف انقلابی

تأمین کردند

یاری دهید!

AKSARIYAT

No.40

MONDAY JAN 14 .85

Address: آدرس:

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY

علیه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران و جهان، متحد شویم!